

مقاله پژوهشی

تحلیل شاخصه‌های رویکرد «عوامانه‌نگری» معلمان به آموزش و تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان مقطع ابتدایی

مظهر بابایی^{۱*}، هدیه ازغ^۲، شیمایزدان‌پناه^۳۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی، پردیس شهید مدرس، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران رایانامه: m.babaie@cfu.ac.ir

۲. کارشناس آموزش ابتدایی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سمنان، ایران.

۳. کارشناس آموزش ابتدایی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سمنان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، تحلیل شاخصه‌های رویکرد عوامانه‌نگری معلمان به تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان در استان کردستان بود. برای دستیابی به این هدف، از روش‌های پژوهش اسنادی-کتابخانه‌ای، توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای توصیفی از نوع نوشتاری بهره برده شد. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته بود. پژوهش در دو گام صورت پذیرفت؛ گام نخست، با کمک روش اسنادی-کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی، اصطلاحات این مفهوم، استخراج و توصیف شدند. سپس و در گام دوم، از طریق مصاحبه و با نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به درجه اشباع، به تعداد شش نفر، ادامه یافتند و سپس به کمک روش تحلیل محتوای توصیفی، متن مصاحبه‌ها مورد تحلیل واقع شد. ملاک تحلیل در این پژوهش، گزاره معنادار و حادث، گزاره بود. معانی و شاخصه‌های این مفهوم از منظر معلمان مقطع ابتدایی از این منظر در شش تم، دوازده مقوله و بیست و هشت مفهوم حاصل شد. یافته‌ها نشان داد مفهوم «عوامانه‌نگری»، به معنی عدم توانایی ایجاد تغییر در رفتار با استفاده از آموخته‌ها می‌باشد. عوامانه بودن نیز به اطلاعات، نوع بینش و عقاید فرد و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، بستگی دارد. درنهایت، رویکرد معلمان در خصوص عوامانه‌نگری در تربیت رسمی و عمومی دارای شاخصه‌هایی مانند مقاومت در برابر تغییر، افکار سنتی، اندیشه نکردن و عدم پیشرفت می‌باشد. از همین رو، پیشنهاد می‌شود تا آموزش و پرورش بر تغییر نگرش معلمان، تمرکز داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل، رویکرد عوامانه‌نگری، تربیت رسمی و عمومی، معلمان، استان کردستان.

استناد به این مقاله:

بابایی، مظهر؛ ازغ، هدیه؛ یزدان‌پناه، شیمایزدان (۱۴۰۳). تحلیل شاخصه‌های رویکرد «عوامانه‌نگری» معلمان به آموزش و تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان مقطع ابتدایی.

اندیشه‌های نوین تربیتی، ۲۰(۴): ۸۱-۱۰۱. doi: 10.22051/jontoe.2023.39252.3511

مقدمه

هر جامعه، فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود را دارد. آداب و رسومی که بسیار گسترده و متنوع است و امور زیادی را شامل می‌شود. بخشی از این فرهنگ را باورها و تفکرات خواص که در جامعه رواج دارد، تشکیل می‌دهد و بخش اعظم این باورها را باورهای عوامانه^۱ تشکیل می‌دهند. «باورهای عوامانه، اغلب بخشی از فرایندهای فرهنگی پیچیده‌ای هستند که نه تنها شامل باورها، بلکه ارزش‌ها و رفتارهای دیگر نیز می‌شوند و در گونه‌های مختلف فولکلور بیان می‌شوند مانند طب عوامانه، روایت عوامانه، آیین و رسوم عوامانه و...». باورهای عوامانه ایستا نیستند، بلکه پویا هستند و با مجموعه خاصی از شرایط یا زمینه‌های یک فرد، گروه اجتماعی یا جامعه خاص تغییر می‌کنند و سازگار می‌شوند» (هندرسون، ۲۰۱۶، ص. ۲۵). در همین راستا «فروغی، درباره اهمیت آداب و رسوم و فرهنگ عامه چنین می‌نویسد: پژوهش درباره عوام نه تنها از لحاظ علمی و روان‌شناسی قابل توجه است؛ بلکه برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را روشن می‌کند و امروزه دانشمندان و صاحب‌نظران به فراهم آمدن این معلومات اهمیت بسیار می‌دهند» (سرلک، ۲۰۰۶، به نقل از پاکدل، ۲۰۱۰، ص. ۳).

براین اساس، می‌توان گفت که در سایه وجود این بخش از فرهنگ کلی و عمومی در جامعه، نوعی رویکرد عوامانه‌نگری در بطن بخش‌هایی از جامعه جای گرفته و حتی مورد قبول واقع شده است که این رویکرد را می‌توان ناشی از انعکاس سیستم آموزشی در جامعه و نقش کم‌رنگ آن در آموزش، تربیت و ایجاد آگاهی در اشخاص و بخصوص نسل جوان جامعه دانست. اما بدون در نظر گرفتن درستی یا نادرستی این باورها، می‌توان گفت که این ویژگی می‌تواند برای فرد و جامعه، نتایج مثبت یا منفی خاصی در پی داشته باشد. «گرچه استفاده از واژه "عامیانه" سعی دارد برچسب درستی یا نادرستی این باورها را از ذهن دور کند، در عوض، واژه "عامه" به ذهن، توجه را به طبقه‌ای از افراد جامعه معطوف و متبادر می‌کند که در مقابل طبقه خواص قرار می‌گیرند. این طبقه، عموماً افراد ناآگاه یا کمتر تحصیل‌کرده‌ای هستند که عدم آموزش صحیح، آنها را به گونه‌ای خاص، اجتماعی کرده است. هرچند محتمل است انعکاس باورهای کمتر عقلانی در این طبقه بیشتر دیده شود، اما مقصود از این نام‌گذاری، قضاوت در باب درستی و نادرستی باورها نیست و واژه عامیانه، وضعیت عموم افراد جامعه را در قبال این باورها در نظر دارد» (شهبازی، ۲۰۱۸، ص. ۱).

افزون براین، طرز تفکر غالب افراد در جامعه اگر کلاً و یا اکثراً طبق باورهای عوامانه پیش برود، احتمالاً در زندگی افراد آن جامعه، پیشرفت زیادی دیده نمی‌شود. براین اساس، «در یک نگاه کلی، باورهای عامیانه را باورهای متسوخ، مربوط به افراد فرودست و خرافات می‌دانند، اما این باورها، در رفتارهای ناخودآگاه فردی و جمعی ملت‌ها همواره جایگاه ممتاز دارند و همواره خود را با افتخار نشان می‌دهند و با احترام خاصی بیان می‌شوند. افزون بر این، بخش عمده‌ای از شخصیت انسان را نیز عقاید و باورهای او تشکیل می‌دهد که قسمتی از این عقاید و باورها از محیط و محل زندگی او نشئت می‌گیرد» (فیروزکوهی مقدم، ۲۰۱۵، ص. ۲۵) و بخشی از آن نیز به وجود نظام آموزشی کهنه و فرسوده‌ای برمی‌گردد که به دانش‌آموزانش اجازه متفاوت بودن، منتقد بودن و اندیشیدن و تفکر را نمی‌دهد و آنها را تک بعدی و سطحی نگه بار آورده که توانایی تشخیص مسیر درست از نادرست را ندارند. باورهایی که شاید حاصل آموزش‌هایی با رویکرد سنتی (ضعیف، سطحی، ناقص، ناروشمند، نا هدفمند و غیر کاربردی) در جامعه باشد؛ باورهایی از این قبیل که: «مدرسه رفتن برای دختران لازم نیست»، «جای آنها تنها در آشپزخانه است». یا این که «دختران باید هرچه زودتر ازدواج کنند»، همچنین، عوام براین باورند که «کار معلمان خیلی راحت است و بیشتر سال را بیکار هستند». این نگره افراد عوام در جامعه است. اما افراد عامی نگر در میان معلمان هم وجود دارد. کسانی که شاید از منظر کمی تعدادشان مشخص نباشد. اما آنها تفاوت آموزش و تربیت، آموزش و تدریس، تدریس و یادگیری، تفاوت‌های فردی، مراحل رشد، تفاوت ظریف بین روش‌های تدریس و ... را یا نمی‌دانند یا آن را نادیده می‌انگارند. آنها همچنین تنها اداره آموزش و پرورش را عامل نهایی و مؤثر در «تربیت کردن» می‌دانند. باورهای عوامانه‌ای که هر مشکل آموزشی را تنها با یک

1. Folk belief.

نگره، مثلاً تنبیه یا اخراج از مدرسه درمان می‌کند و تحقیقات علمی جدید را یا ندید می‌انگارند و یا آن را زیر سؤال می‌برند. باورها و نگرش‌هایی از این قبیل و به‌ویژه در میان معلمان، در سیستم آموزشی، می‌تواند بسیار مخرب باشد و در صورت تداوم، باعث گسترش و شکل‌گیری باورهای عوامانه در جامعه شوند.

از طرفی نیز یکی از راه‌های حفظ و انتقال این آداب و رسوم و به‌خصوص باورهای عوامانه، نظام آموزشی و تربیتی آن جامعه است؛ چراکه نظام آموزشی «وظیفه انتقال فرهنگ و آماده‌سازی نسل در حال تربیت را برای حضور در جامعه برعهده دارد» (تقی‌زاده شیرازی، حاج حسینی و عالی، ۲۰۱۸، ص. ۵۴) و زمینه ساز ایجاد فرهنگ و نگرش یک جامعه می‌باشد که هرگونه افکار یا رفتار سنتی، در معنای غیر علمی آن، در این نظام از سوی معلمان و دیگر افراد جامعه، باعث انحراف از مسیر تربیت صحیح و عدم دستیابی به پیشرفت و توسعه جامعه می‌شود؛ چراکه «خطر انحراف در قلمرو تعلیم و تربیت به لحاظ وسعت و حساسیت آن از هر جای دیگری بیشتر است؛ از این لحاظ که تقریباً هر کسی به‌نحوی با تعلیم و تربیت سروکار دارد و از جهتی بدان علاقه‌مند است و دانسته یا ندانسته از تربیت مطلوب تصویری دارد و معمولاً لزومی نمی‌بیند که در درستی تصور خویش، هرچند ناپخته و نسنجیده باشد، تردید روا دارد». (شکوهی، ۲۰۱۸، ص. ۲۴).

در این میان هستند افرادی از معلمان در جامعه که باوجود همه تحولات و نوگرایی‌های امروزی، نگاهی ثابت و براساس دغدغه‌های دوران کودکی خود به آموزش و پرورش دارند. نگاهی که طبعاً، حداقل محصول یک نسل قبل است. از همین رو، افزون بر آموزش، تربیت سنتی یا عوامانه، رویکرد پیش‌روی این افراد است که برگرفته از افکار پیشینیان آنهاست. اما روشن است که تربیت سنتی آنها که بر پایه اصول قدیمی و انعطاف‌ناپذیر می‌باشد، نمی‌تواند جوابگوی تربیتی مدرن و امروزی نسل جوان، مسائل جدید امروزی و به دور از عوامانه‌نگری باشد. ثمره این نوع آموزش، تربیت نسلی منفعل، معلم‌محور، کتاب‌محور، حافظه‌محور و غیر عملگرا و در یک معنا عوام‌گرا در معنای اعتقاد به آموزش‌هایی با رویکرد سنتی (ضعیف، سطحی، ناقص، ناروشمند، ناهداف‌مند و غیر کاربردی) می‌باشد؛ افرادی که در مسائل روزمره خود تأمل و تفکر نمی‌کنند و هیچ‌گونه نوآوری و خلاقیتی در زندگی آنها و در جامعه صورت نمی‌گیرد. همچنان‌که بابایی و سفیدبنی (۲۰۱۸) (امرانی و همکاران، ۱۴۰۳) ویژگی‌های تربیت سنتی را مواردی مانند بی‌خردی، بیگانگی با منطق، غفلت، پیروی کورکورانه، نداشتن نوآوری، انعطاف‌ناپذیری و عدم خلاقیت بیان کرده‌اند؛ لذا با توجه به نوع تربیتی که در نظام تربیت رسمی صورت می‌گیرد، میزان فاصله از رویکرد عوامانه‌نگری مشخص شده و به دنبال آن توسعه و رشد جامعه تحت تأثیر تعلیم و تربیت صورت خواهد گرفت. بنابراین، می‌توان گفت وجود این نوع باورو نگرش در سیستم آموزشی است که در تغییر و تحول رویکرد پیش‌روی جامعه نقش‌آفرینی می‌کند و آن را به سمت عوامانه‌نگری و یا حفظ وضع موجود و نهایتاً به سمت دوری از پیشرفت و نوآوری پیش می‌برد.

مقصود از مفهوم عوام در این پژوهش، رویکردهای سیاسی و پوپولیسم^۱ آن نیست؛ چراکه «در پوپولیسم، پیشبرد اهداف سیاسی توسط عامه و اعمال فشار توده مردم بر حکومت، بدون واسطه گروه، حزب و سازمان صورت می‌گیرد. در این نگرش، جهت‌گیری افکار عامه به منظور واداشتن حکومت به پذیرش منویات مردم، چشم‌گیر است» (علی بابایی، ۲۰۰۲، ص. ۲۳). همچنین معانی آن در رویکردهای اقتصادی و اجتماعی و مردم‌نگارانه و مفاهیم هم‌خانواده و نزدیک به این مفهوم، مطمح نظر نیست. از این‌رو که پرداختن به این مفهوم از این ساحت، خود مستلزم ورود به حوزه‌های دیگری است و در محدوده این پژوهش نمی‌گنجد؛ لذا در این پژوهش تنها به واکاوی ساحت تربیتی مفهوم عوام پرداخته می‌شود. و مراد از تحلیل رویکرد عوامانه، مفاهیم تربیتی آن در نظام تعلیم و تربیت رسمی می‌باشد تا به فهم نسبی از معنای این مفهوم از دیدگاه معلمان دست یافت.

هدف از انتخاب معلمان ابتدایی استان کردستان در این پژوهش این است که از یک طرف، معلمان به‌عنوان «ضروری‌ترین گروه حرفه‌ای برای آینده همه نسل‌ها و یکی از شاخص‌های برتر موفقیت کلی» (محمودی، حبیبی و خان‌زاده مقصودلو، ۲۰۲۱، ص. ۳۲)، و همچنین، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عنصر در فرایند تعلیم و تربیت رسمی، بهتر از هرکسی از نحوه نگرش و عملکرد سیستم آموزشی مطلع هستند،

آنها بهتر از هر کسی افکار و نگره‌های قشر خود را می‌شناسند، دارای تجربه زیسته در این زمینه هستند، شاید خود هم زمانی دارای همین نگرش بوده‌اند. از سوی دیگر، «معلم به عنوان هدایت کننده و اسوه امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی می‌باشد» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۲۰۱۱، ص. ۸) که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تغییر نگرش و پرورش رشد فکری و شخصیتی سالم جامعه دارد و از سوی دیگر، در القای طرز تفکر علمی در میان افراد جامعه خود، تأثیر بسزایی دارند. از این لحاظ که هر معلم با مجموعه‌ای از باورهای پیشینی پا به کلاس درس می‌گذارد که این باورها اولویت‌های چگونگی یادگیری دانش توسط دانش‌آموزان و تدریس به آنها را مشخص می‌کنند. اهمیت این باورها به دلیل آن است که پنداشته می‌شود تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اقدامات و فعالیت‌های معلم داشته و تصمیمات او را در سطح کلاس متأثر می‌کند (کبیری، ۲۰۲۳). از اینجاست که نقش و نگرش معلم در تعلیم و تربیت، در بهبود فضای فرهنگی و تربیتی جامعه عوامانه بیشتر نمایان می‌شود؛ «چراکه معلم تنها فرد ذی صلاح و ذی نفوذی است که می‌تواند با شناساندن ارزش‌های اجتماعی، از نسلی به نسل دیگر، آنها را متناسب با اجتماع و در عین حال روشن فکر، مترقی و متجدد بار آورده و نحوه نگرش وی به زندگی را تغییر دهد. در چنین رسالتی است که سنگینی و عمق مسئولیت معلم آشکار می‌شود؛ زیرا آموخته‌های وی مستقیماً در خانواده و جامعه منعکس شده و افراد بشر را در ورود بهتر به زندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یاری رسانده و با پرورش منابع انسانی به توسعه مادی و معنوی جامعه کمک نماید» (صادقی، ۲۰۱۶، ص. ۲۹).

براین اساس، آنچه که در تعلیم و تربیت، در کنار دیگر عناصر، نقشی اساسی و محوری در انتقال ارزش‌ها و زدودن افکار عوامانه و سنتی از جامعه دارد، معلم است. «معلم، اساسی‌ترین عامل در ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت بوده و نقش وی در هدایت آینده سازان جامعه، غیرقابل انکار است» (همان، ص. ۲۸). به بیان دیگر، از آنجاکه توسعه و رشد هر کشوری از طریق آموزش و پرورش و سیستم آموزشی آن بنا می‌شود و پایه اصلی سیستم آموزشی در مقطع ابتدایی و از طریق معلمان آن پایه‌ها پی‌ریزی می‌شود، از این رو، بررسی دیدگاه عنصر اصلی آن سیستم، معلمان، در حوزه تحلیل رویکرد عوامانه‌نگرانه به نظام تربیت رسمی و عمومی، امری ضروری می‌نماید.

در بررسی پیشینه این پژوهش باید گفت که پژوهش علمی خاصی که مستقیماً مرتبط با رویکرد عوامانه‌نگری در تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان باشد، تاکنون صورت نگرفته است. از همین رو، تنها به ذکر نتایج مقالاتی که با بخش‌هایی از رویکرد پژوهش حاضر مشابهت دارند، پرداخته شد. لازم به ذکر است که از آنجاکه مفهوم «عوام»، هم از منظر کاربرد و هم از منظر معنا، مفهومی بسیا گسترده است و در رشته‌های مختلف مانند ادبیات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مردم‌شناسی از آن بهره‌های مختلف و کاربردهای متعدد برده می‌شود، معانی آن گاهی با هم متفاوت است. اما باوجود تفاوت‌های ریز که نشان از تفاوت در رویکرد تخصصی این رشته‌هاست، رویکرد مشابه و تقریباً نزدیکی به این مفهوم در بیشتر این رشته‌ها وجود دارد. مانند نگاه پوپولیست و فریب اکثریت مردم و یا بیشتر مردم منهای نخبگان سیاسی و... اما باوجود این، نگاه پژوهش کنونی با هیچ کدام از این نگره‌ها، مشابه و یا نزدیک نیست؛ چراکه نگره غالب در این پژوهش، بیشتر عوامانه‌نگری در معنای سطحی اندیشی و فقدان دوراندیشی و روش‌مندی و هدفمند اندیشی است که بیشتر یک نگره فلسفی است تا جامعه‌شناختی و سیاسی و ادبی و... که بیشتر آن را با نگره پوپولیستی^۱ یکسان و یا حداقل نزدیک می‌بینند. درست از همین روست که هم در ادبیات پژوهشی فارسی و هم در ادبیات پژوهشی خارجی، پشتوانه پژوهشی آن کم است و پژوهشگران به ناچار از پژوهش‌های نزدیک و مرتبط‌ترین‌ها به آن، بهره برده و در میان انبوهی از پژوهش‌های حاشیه‌ای، دست به انتخاب پژوهش‌های معیارمند زده است.

در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر باورهای عامیانه در ایران عصر قاجار بر طبابت» که توسط عمرائی و همکاران (۲۰۲۳) نوشته شد، یافته‌ها نشان داد که افزون‌بر بازدارندگی باورهای عامیانه بر سلامت مردم، این باورها تبدیل به فرهنگ عموم مردم در این دوره شد.

1. populism.

به‌علاوه، فقر و بدبختی، زندگی فلاکت‌باری که اغلب مردم عصر قاجار با آن روبه‌رو بودند، جهل و نادانی، محدودیت‌ها و نادیده گرفتن زنان در جامعه و زندگی خانوادگی باعث شده بود که در باورها و عقاید مردم خدشه وارد شود و گرایش به سمت خرافات برای رهایی از مشکلاتی که گریبان‌گیرشان بود، زیاد شود. ضرونی (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «باورهای عامیانه و کارکرد آنها در غزل نو (از واسط دهه چهل تا امروز)» نشان داد که شاعران باورهای عامیانه را در خدمت تغزل قرار داده‌اند تا ضمن غنای پشتوانه فرهنگی شعر خود، تأثیر عاشقانه بیشتری بر مخاطب بگذارند. علی اکبرزاده (۲۰۱۸) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی و تحلیل تطبیقی باورهای عامیانه در مرزبان‌نامه و سندبادنامه» به این نتیجه دست یافت که هر رسم و آیینی که امروزه در میان اقوام جاری است، ریشه در گذشته و فرهنگ عامیانه آنان دارد. هرچند تمامی باورهای عامیانه در مرزبان‌نامه و سندبادنامه منعکس نشده‌اند، اما اغلب موارد بازتاب یافته و زندگی مردم آن زمان را به‌طور همه‌جانبه تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. رستم‌پور (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «عوام و خواص از نگاه عرفا» نشان داد که عوام و عوام‌الناس در نگاه عرفا افرادی هستند که در مراحل اولیه خودشناسی هستند و فقط به ظاهر آداب دین توجه دارند و دارای آگاهی کمتری می‌باشند.

فیروزکوهی مقدم (۲۰۱۵) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی خرافه و باورهای عامیانه و تأثیر آن در آثار هوشنگ مرادی کرمانی» به این نتیجه دست یافت که بیشتر داستان‌های این نویسنده متأثر از محیط جغرافیایی وی، یعنی روستا است و از آنجاکه باورهای خرافی در این جوامع پررنگ‌تر است، بدین ترتیب، خرافه‌ها هم در داستان‌هایش انعکاس یافته است؛ باین‌وجود، بسامد خرافه‌ها (۳۸ مورد) در مقایسه با باورهای عامیانه (۴۳۵ مورد) و دینی (۵۵ مورد) کمتر است. پاکدل (۲۰۱۰) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «تحلیل بازتاب فرهنگ عوام در سمک عیار» نشان داد که بسیاری از آنچه به فرهنگ عامه مربوط می‌شود، ریشه در جهل و نادانی دارد و امروزه به‌راحتی می‌توان این‌گونه باورها را ناشی از کج‌اندیشی‌ها و تصورات نادرست از وقایع دانست و دانش بشری را در پاسخ‌گویی به بسیاری از خرافه‌ها و عناصر فرهنگ عامه، کافی تلقی کرد. در پژوهشی دیگر با عنوان «باورهای تربیتی معلمان و نقش آن در اقدامات تدریس آنان و عملکرد ریاضی دانش‌آموزان» که توسط کبیری (۲۰۲۳) صورت گرفت، نتایج حاکی از این است که هنوز بخش زیادی از معلمان به باورهای جدیدتر تدریس گرایش ندارند؛ با این‌حال، تغییر باورهای آنان به ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان منجر نمی‌شود.

هو و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر باور عامیانه بر اعتماد اجتماعی: نقش میانجی حمایت اجتماعی و احساس هویت» نشان دادند که حمایت اجتماعی و احساس هویت نقش میانجی بین باورهای عامیانه و اعتماد اجتماعی ساکنان دارد و افراد با باورهای عامیانه می‌توانند اعتماد اجتماعی خود را با بهبود درجه حمایت اجتماعی و احساس هویت خود به میزان قابل توجهی ارتقا دهند. لیو (۲۰۲۳) در پژوهشی که با عنوان «مدیریت هدایت شده باورهای عامیانه روستایی تحت پیشینه استراتژی احیای روستایی» انجام داد، نشان داد که هدایت مدیریت باورهای عامیانه روستایی نه تنها می‌تواند موجب نوآوری در توسعه فرهنگ سنتی شود، بلکه به توسعه اقتصاد روستایی و اجرای راهبرد بازآفرینی روستا کمک کند.

تورف (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «نظریه باورهای عامیانه، شکاف شدید و شکاف دستاوردها» به این نتایج دست یافت که باورهای عامیانه در برابر تغییرات مقاوم هستند که به توضیح علت ثابت ماندن شکاف در موفقیت کمک می‌کند. در عین حال، استراتژی‌های مختلف تغییر باورها می‌توانند استفاده از برنامه درسی دقیق را برای دانش‌آموزان محروم ارتقا دهند. فینچلشتین و اوربناتی (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «درباره پوپولیسم و دموکراسی» به این نتیجه رسیدند که پوپولیسم خود را به عنوان نماینده مستقیم مردم بدون واسطه انجمن‌های سیاسی، تحمیل می‌کند.

برچنین زمینه‌هایی، هدف پژوهش حاضر، تحلیل و واکاوی شاخصه‌های رویکرد عوامانه‌نگری در حوزه‌ی آموزش، تربیت و به‌ویژه تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان ابتدایی در استان کردستان در سه شهر سنندج، مریوان و سقز می‌باشد تا از این راه به شناخت و درک گویاتری از وضعیت موجود در نظام آموزش و پرورش رسیده و گامی در شناخت و تقویت مسائل حوزه تربیتی و اصلاح جنبه‌های منفی مرتبط با رویکرد عوامانه‌نگری در تربیت رسمی برداشته شود و در برون آمدن از این نوع نگرش و دستیابی به آگاهی بیشتر در زمینه

تربیت کوشش نمود. چراکه از یک سو، نظام تربیت رسمی و عمومی از بنیادی‌ترین نظام‌ها برای هدایت به سوی ایجاد نگرشی جدید و وسیع در مسائل تربیتی موجود می‌باشد و باتوجه به عدم وضوح در معانی عوام و به‌ویژه در زمینه تربیتی آن، این پژوهش در راستای وضوح بخشی به رویکرد عوامانه‌نگری در بافت تربیت رسمی و عمومی همت گماشت تا آرمان‌ها و مقاصد تربیتی را با طرح دیدگاه‌های معلمان در حوزه تعلیم و تربیت شفاف‌سازی کرده و به فهم مشترک از رویکرد عوامانه‌نگری رسیده تا احتمالاً بتوان از آن ابهام‌زدایی کرد. از سوی دیگر، چون معلمان، مستقیماً درگیر امور آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان در جامعه هستند و عامل اصلی و موثر در سیستم آموزشی به حساب می‌آیند و از دیگر سو، همین معلم‌ها، شهروند جامعه محسوب شده و از نگره مردم و دیدگاه‌ها و طرز فکر آنها آگاهی دارند؛ از همین رو، اطلاعات بیشتری از وضعیت این نظام داشته و بهتر می‌توانند در روشن سازی رویکرد عوامانه‌نگری در حیطه آموزش و تربیت همکاری و تبادل نظر نمایند.

از همین رو، سؤال‌های پژوهشی این خواهد بود که: ۱. شاخصه‌ها و ویژگی‌های عوام و عوامانه‌نگری را به‌طورکلی چگونه می‌توان تحلیل نمود؟ ۲. مزایای احتمالی و چالش‌های عوامانه رفتارکردن از منظر معلمان استان کردستان را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ ۳. چگونه می‌توان معنای عوام و عوامانه‌نگری در معنای کلی آن را، از منظر معلمان استان کردستان تبیین نمود؟ ۴. شاخصه‌های رویکرد عوامانه‌نگرانه در حوزه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان استان کردستان را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که هدف پژوهش حاضر، تحلیل و واکاوی شاخصه‌های رویکرد عوامانه‌نگری معلمان در حوزه آموزش، تربیت و به‌ویژه تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان ابتدایی در استان کردستان در سه شهر سنندج، مریوان و سقز می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، به طرح، تبیین و پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر اتمام شد: ۱. شاخصه‌ها و ویژگی‌های عوام و عوامانه‌نگری را به‌طورکلی چگونه می‌توان تحلیل نمود؟ ۲. مزایای احتمالی و چالش‌های عوامانه رفتارکردن معلمان از منظر معلمان استان کردستان را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ ۳. چگونه می‌توان معنای عوام و عوامانه‌نگری معلمان در معنای کلی آن را از منظر معلمان استان کردستان تبیین نمود؟ ۴. شاخصه‌های رویکرد عوامانه‌نگرانه معلمان در حوزه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان استان کردستان را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟ به اقتضای هدف و سؤالات، از روش‌های اسنادی-کتابخانه‌ای، توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای کمی توصیفی از نوع متن نوشتاری، بهره برده شد. پژوهش در دو گام اصلی و هرگام در چند مرحله صورت گرفت: در گام اول و در مرحله اول، با استفاده از مراحل روش اسنادی-کتابخانه‌ای، بعد از فراهم نمودن منابع معتبر و مختلف، معنای عوام و مفاهیم مرتبط و نزدیک به آن از فرهنگ لغات مختلف فارسی و انگلیسی استخراج شد. در این گام، سعی شد تنوعی از معانی این مفهوم ارائه شود. سپس و در مرحله بعد، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، در قسمت ادبیات و پیشینه پژوهش به توصیف و تبیین معنای عوام از منظر متخصصان حرفه‌های مختلف پرداخته شد که ضمن توجه به تنوع مفهومی این رویکرد در بافت‌های مختلف جامعه‌شناسی، فرهنگی، تربیتی، اقتصادی، روانشناسی و اجتماعی، تنها به بررسی بافت تربیتی آن پرداخته شد. پس از آن، از منظر روش تحلیل محتوای توصیفی از نوع متن نوشتاری، جامعه پژوهش شامل معلمان مقطع ابتدایی استان کردستان در نظر گرفته شد که براساس نمونه‌گیری هدفمند با معیارهای اعلام شناخت و آگاهی از موضوع پژوهش، داشتن حداقل دو سال سابقه کاری، داشتن رشته مرتبط به رشته معلمي و آموزش و سرانجام، تمایل به اختصاص وقت و مشارکت در پژوهش، تا رسیدن به درجه اشباع، شش نفر از معلمان در سه شهر سنندج، مریوان و سقز انتخاب شدند که مشخصات آنها در جدول شماره ۱ ذکر و سپس مورد کدگذاری باز (از مشارکت‌کننده ۱ تا ۶) واقع شدند. گفتنی است باتوجه به اینکه در پژوهش کنونی، نظرات و تجارب زیسته معلمان ابتدایی در مورد نگرش عوامانه به آموزش و پرورش رسمی و عمومی مطرح نظر بود؛ لذا رویکرد پژوهش کیفی است. در پژوهش‌های کیفی، یکی از ابزارهای گردآوری داده‌ها، مصاحبه یا پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته محقق‌ساخته است و معیار استمرار مصاحبه، تکرارپذیری پاسخ‌ها یا اصطلاحاً رسیدن به درجه

اشباع‌یافتگی است از همین، در این پژوهش نیز از همین روند بهره برده شد. یعنی معیار ادامه مصاحبه‌ها، رسیدن به اشباع بود که در ۶ نفر به این درجه رسید و ادامه آن، بی نتیجه می ماند؛ چراکه تکرار داده‌ها را در پی داشت.

در گام دوم، به بررسی مفهومی رویکرد عوامانه‌نگری از دیدگاه معلمان مقطع ابتدایی در استان کردستان در سه شهر سنندج، مریوان و سقز پرداخته شد. بدین منظور با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته، سؤالات باز طراحی و در اختیار معلمان قرار گرفت. ملاک تحلیل در این پژوهش، گزاره معنادار بود. سپس با توجه به واحد ثبت که متن مصاحبه‌ها بود، پس از گردآوری نظرات مشارکت‌کنندگان، شاخصه‌ها از متن مصاحبه‌ها استخراج و موارد مشترک مشخص شد. در مرحله بعد، به مقوله‌بندی شاخصه‌ها پرداخته شد و مشخص شد که عوام دارای شش تم، دوازده مقوله و بیست و هشت مفهوم می‌باشد که خود بیانگر جمع‌بندی و دسته‌بندی پاسخ معلمان به سؤال مطرح شده خاصی می‌باشد. در نهایت، با تحلیل و بررسی پاسخ‌ها، جمع‌بندی نهایی برای هر سؤال به‌طور مجزا صورت گرفت. در ادامه، تلاش شد که پاسخ‌های داده شده به هر سؤال، تحلیل شوند.

جدول شماره ۱. مشخصات شرکت‌کنندگان

مشارکت‌کنندگان	رشته	مدرک	جنسیت	سن	سابقه تدریس (سال)
مشارکت‌کننده شماره (۱)	علوم تربیتی	کارشناسی ارشد	مرد	۳۰	۸
مشارکت‌کننده شماره (۲)	آموزش ابتدایی	لیسانس	مرد	۲۶	۴
مشارکت‌کننده شماره (۳)	علوم تربیتی	لیسانس	مرد	۵۰	۳۰
مشارکت‌کننده شماره (۴)	علوم تربیتی	لیسانس	مرد	۴۸	۲۸
مشارکت‌کننده شماره (۵)	علوم تربیتی	لیسانس	مرد	۵۱	۳۰
مشارکت‌کننده شماره (۶)	آموزش ابتدایی	لیسانس	زن	۲۴	۲

تبیین تربیت رسمی و عمومی

تعلیم و تربیت فرایندی است پر دامنه و وقت‌گیر، در عین حال پر ثمرترین دستاورد انسان می‌باشد. اهمیت آن را از این زاویه می‌توان نگرست که حقیقت آدمی به برکت تعلیم و تربیت معنا و مفهوم می‌یابد و به برکت این فرایند است که استعدادها و توان بالقوه آدمی بارور و شکوفا می‌شود. (بشارت، ۲۰۰۶، به نقل از صارمی نوری و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۰). «فرایند تربیت، اساسی‌ترین جریان اجتماعی بشر و عامل اساسی تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی آن است که فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و رشد پیوسته هویت متریان، به صورتی یک‌پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیاط طیبه در همه ابعاد می‌باشد.» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، ۲۰۱۱، ص. ۲۲۶).

براین اساس، می‌توان تربیت رسمی و عمومی را این‌طور تعریف کرد: «بخشی از جریان تربیت که به شکل سازمان‌دهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت- خانواده، رسانه و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی- صورت می‌پذیرد و با تأکید بر وجوه مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی)- همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت متریان (به‌ویژه هویت جنسیتی)- در پی آن است تا آنان، مرتبه‌ای از آمادگی را برای تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.» (همان، ص. ۲۳۶).

«توفیقات قابل توجهی به سبب طرح رویکرد انسجام بخشی به تربیت رسمی و عمومی در برخی از جوامع امروزی به دست آمده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ارتقای فرهنگ عمومی؛ کمک به ایجاد انسجام اجتماعی و وحدت ملی؛ تعمیم آموزش سواد و مهارت‌های اساسی زندگی؛ کمک به گسترش روابط اجتماعی و... این توفیقات باعث شده است تا نه تنها در همه جوامع معاصر بسط و گسترش تربیت رسمی و عمومی مهم‌ترین راهکار توسعه و رشد پایدار جوامع و لوازم آن (یعنی شکل‌گیری و ارتقای سرمایه انسانی، تکوین و رشد سرمایه اجتماعی و ایجاد انسجام اجتماعی و وحدت ملی) به شمار آید؛ بلکه در قوانین و میثاق‌های بین‌المللی

و قوانین اساسی عموم کشورها، بهره‌مندی از آن، حقّ مسلم همهٔ آحاد جامعه (قطع نظر از ویژگی‌های فرهنگی، قومی، مذهبی، اقتصادی، جنسی و فردی) محسوب شود. «(همان، صص. ۲۵۶-۲۲۹).

یافته‌های پژوهش

از آنجاکه رویکرد این پژوهش کیفی است و نگرهٔ غالب بر پژوهش‌های کیفی، توصیفی است؛ لذا در وهلهٔ نخست، بیشتر به توصیف و ذکر داده‌ها و یافته‌ها می‌پردازد. از همین رو، تعمیم‌پذیری در آن معیار نیست. بر همین اساس، ملاک اصلی تمرکز بر اهداف مورد نظر مشارکت‌کنندگان در مصاحبه است و خود پژوهشگر نمی‌تواند مواردی غیر از آنچه از سوی مشارکت‌کنندگان گفته می‌شود را بر پژوهش تحمیل نماید؛ لذا درست بر همین اساس، در پژوهش کنونی بعد از توصیف و دسته‌بندی داده‌ها و کدگذاری‌های اولیه و ثانویه داده‌های مشارکت‌کنندگان به صورت توصیفی و نقل قول ذکر خواهد شد و نقش پژوهشگران بیشتر نه در قسمت یافته‌ها، بلکه در بیان هدف، سؤالات، دسته‌بندی داده‌ها و قسمت نتیجه‌گیری، خود را نشان می‌دهد.

گام اول: معانی واژه‌گانی مفهوم «عوام» و همبسته‌های آن

از آنجاکه بررسی و تحلیل رویکرد عوامانه‌نگری به تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان مقطع ابتدایی در دستور کار این پژوهش قرار دارد؛ لذا ضروری می‌نماید تا ابتدا به بررسی معانی عوامانه‌نگری و همبسته‌های آن در فرهنگ واژگان معتبر و مختلف فارسی و انگلیسی پرداخته شود و معنایی کلی از آنها برای ورود به بحث، ارائه شود. هرچند که پژوهش حاضر در پی واکاوی معانی و مفهوم عامی و عوامانه، و نه همبسته‌های آن، می‌باشد، اما در روشننگری معانی و همبسته‌های این رویکرد می‌توان نکات زیر را بیان نمود:

دهخدا (۱۹۹۵، ص. ۱۱۱)، این مفهوم را تحت عناوین کلی اخلاقی و علمی (فرومایگی و بی‌سوادی) قرار داده است؛ درحالی‌که صدری‌افشار و همکاران (۲۰۱۴، ص. ۱۹۲۸) تهی بودن از هر امتیازی را شاخصهٔ عوام بودن دانسته‌اند. و همچنین، عوام از نظر انوری (۲۰۰۷، ص. ۵۱۱۴)، به معنای پایین بودن سطح دانش و آگاهی می‌باشد. با در نظر داشتن این معانی، به تعریف بعضی از همبسته‌های عوام می‌پردازیم. از این قبیل، می‌توان به عامی اشاره کرد که عمید (۲۰۱۱، ص. ۱۲۷۱) آن را به معنی جاهل و بی‌سواد دانسته است. از جمله موارد دیگر، عوامانه می‌باشد که انوری (۲۰۰۷، ص. ۵۱۱۴) آن را به معنی سطحی بودن و بدون ژرف‌نگری تعریف کرده است؛ اگرچه این مفهوم نزد صدری‌افشار و همکاران (۲۰۱۴، ص. ۱۹۲۸) به معنای همانند عوام می‌باشد. عوام‌فربانه نیز یکی دیگر از مفاهیم نزدیک به مفهوم عوام و عوامانه است که عمید (۲۰۱۱، ص. ۱۲۷۱) آن را گول زدن مردم جاهل تعریف کرده است؛ اما انوری (۲۰۰۷، ص. ۵۱۱۵) آن را با عنوان فریب دادن عامهٔ مردم قرار داده است. همچنین، عوام‌فریبی در تعریف صدری‌افشار و همکاران (۲۰۱۴، ص. ۱۹۲۸) به معنای رفتاری است که هدفش فریب دادن و به اشتباه انداختن تودهٔ مردم باشد. یکی دیگر از مفاهیم نزدیک به عوام و عوامانه، عوام‌پسند می‌باشد که انوری (۲۰۰۷، ص. ۵۱۱۴) و صدری‌افشار و همکاران (۲۰۱۴، ص. ۱۹۲۸) آن را با عنوان مورد پسند مردم عادی بیان کرده‌اند.

در روشننگری بیشتر معانی عوام، به معادل و معانی این کلمه در فرهنگ لغت‌های انگلیسی نیز پرداخته شده است که از جمله معادل آن عبارت‌اند از: Commoner که آریان‌پور (۲۰۰۰، ص. ۴۵۰) آن را از صفات نسبی (غیر اشرافی) دانسته، اما حق‌شناس و همکاران (۲۰۰۲، ص. ۲۶۹) آن را در معنای آدم معمولی ذکر کرده‌اند. از دیگر معادل عوام در انگلیسی، می‌توان به کلمه Commonalty اشاره کرد که آریان‌پور (۲۰۰۰، ص. ۴۵۰) و حق‌شناس و همکاران (۲۰۰۲، ص. ۲۶۹)، به طور کلی، آن را به معنای عامه/ تودهٔ مردم دانسته‌اند. از دیگر معادل این مفهوم، Laity می‌باشد که آریان‌پور (۲۰۰۰، ص. ۱۲۷۳) آن را مردم کوچه و بازار تعریف کرده است. همچنین، Illiterate نیز از دیگر معادل به کار رفته برای عوام می‌باشد که آریان‌پور (۲۰۰۰، ص. ۱۱۲۳) و حق‌شناس و همکاران (۲۰۰۲، ص. ۷۹۲) تعریف مشابه و کلی از آن، با عنوان افراد بی‌سواد و امی ارائه داده‌اند. درنهایت، Plebs نیز از معادل‌های برشمرده برای عوام می‌باشد که آریان‌پور (۲۰۰۰، ص. ۱۷۳۱) آن را طبقه پایین جامعه قرار داده؛ اما حق‌شناس و همکاران (۲۰۰۲، ص. ۱۲۸۸)

از آن با عنوان مردم عادی بیان کرده‌اند. همچنین، همبسته‌های دیگری مانند طبقه عوام، مجلس عوام و عوام‌فریب که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست. برچنین زمینه‌هایی، پژوهش حاضر در پی واکاوی معانی و مفهوم عامی و عوامانه، و نه همبسته‌های آن می‌باشد.

مفهوم عوامانه‌نگری در حرفه‌های تخصصی

رویکرد عوامانه‌نگری نه تنها در تعلیم و تربیت، بلکه در دیگر حوزه‌ها و از دیدگاه متخصصان حوزه‌های مختلف نیز مصادیق خاص خود را دارد. به‌طوری‌که هر یک از متخصصان این حوزه‌ها از دیدگاه حرفه و مهارت خود به دیگران نگاه می‌کنند و از دید آنان افرادی که دانشی در زمینه تخصص آنها نداشته باشند، عوام به شمار می‌روند. این امر درحالی است که خود این افراد نیز در همه زمینه‌ها تخصص و دانش ندارند و متخصصان حوزه‌های دیگر، به همان‌گونه، آنها را عوام می‌دانند؛ برای نمونه، یک خلبان، معلم‌ها را که با اصطلاح زولو آشنایی ندارند، عوام می‌داند. همچنین، یک چشم‌پزشک، خلبان، مهندس مکانیک، و سائیرینی را که با علم پزشکی و مفاهیم تخصصی این رشته مانند دیسک اپتیک (به معنای دیسک بینایی) آشنا نیستند را عوام می‌داند. همچنان که «در حوزه دین و امور مذهبی، اصولاً افرادی که اطلاعات و آگاهی کم و ناچیزی در مورد احکام دینی دارند تحت عنوان عوام شناخته می‌شوند» همچنین، «عرفا اصولاً تمامی انسان‌هایی که فکر و روش زندگی آنها متفاوت با تفکر و سلوک آنهاست را عوام می‌خوانند، خواه این افراد غیر مسلمان و یا ملحد باشند و خواه مسلمانانی که تمام توجه آنها انجام و مراقبت دائم اوامر و نواهی الهی بدون اینکه عاشق خداوند باشند و یا افرادی که فقط برای ریا و جلب نظر مردم مسائل دینی را رعایت می‌کنند» (رستم‌پور، ۲۰۱۶، ص. ۲). معلمان نیز خلبان‌ها و دیگر افراد غیر متخصص در رشته خود را که تفاوت واژگان تربیت و آموزش، رشد و ترقی و یا انگیزه و انگیزش و انگیزه‌ها و... را درک نکنند، عوام می‌دانند؛ از همین رو و در مجموع، هر متخصصی در حوزی کار خود و متناسب با تخصص خود، معنای جداگانه‌ای برای عوام در نظر دارد. درنتیجه و از این منظر، عوام یا فرد عامی، امروزه، برخلاف گذشته، تنها به افراد کم‌سواد و یا بی‌سواد قشر پایین اجتماعی اطلاق نمی‌شود. این رویکرد، معنای گسترده‌تری از این مفهوم را به دست می‌دهد.

گام دوم: رویکرد عوامانه‌نگری از منظر معلمان مقطع ابتدایی

بنابراین آنچه تاکنون از معانی عوامانه‌نگری در حرفه‌های تخصصی و آنچه از معانی واژه‌گانی آن مطرح شد، تا حدی روشن شد که این مفهوم، معانی و همبسته‌های زیادی دارد که می‌توان از ابعاد مختلفی مانند ابعاد سیاسی، اقتصادی، روان‌شناسی، اجتماعی و تربیتی به بررسی آن پرداخت و آن را مورد واکاوی قرار داد. اما در این‌جا، براساس هدف و سؤالات پژوهش، تنها از دیدگاه تربیتی به‌عنوان زیربنای دیگر بعدها و باتوجه به نظر معلمان مقطع ابتدایی استان کردستان در سه شهر سنندج، مریوان و سقز، به بررسی معانی و رویکرد عوامانه پرداخته شد. از همین رو، در این گام، سؤالات پژوهش در اختیار معلمان قرار داده شد تا با ارائه نظرات خود، ابتدا به بیان شاخصه‌های مفهوم عوام به‌طورکلی، مزایا و چالش‌های عوامانه‌نگری و سرانجام شاخصه‌های رویکرد عوامانه‌نگری در تربیت رسمی و عمومی بپردازند. پس از دریافت، مطالعه و دسته‌بندی پاسخ‌ها صورت گیرد؛ لذا مفاهیم مشترک در یک دسته، تحت عنوان «مفهوم»، جای گرفته، سپس عنوانی کلی با عنوان «مقوله» برای این مفاهیم درنظر گرفته شده و درنهایت، برای مقوله‌های هر سؤال، عنوان کلی‌تر «تم» برای مقوله‌ها و مفاهیم در نظر گرفته شود که در جداول خاص خود ارائه شده است. در ادامه، تلاش شد که پاسخ‌های داده شده به هر سؤال، تحلیل شوند.

۱. ویژگی‌های رویکرد عوامانه‌نگری از منظر معلمان مقطع ابتدایی

عوامانه‌نگری در حوزه تربیت رسمی و عمومی، همچون یک رویکرد، می‌تواند شامل نگرش‌ها، باورها، عقاید و افکار معلمان، والدین، مدیران مدراس، شاگردان، محتویات کتب و رفتار عوامل مؤثر در تربیت در جامعه باشد. باوجود این، در این پژوهش، تنها مجال بررسی نگرش معلمان مقطع ابتدایی استان کردستان در سه شهر سنندج، مریوان و سقز به رویکرد عوامانه‌نگری به تربیت رسمی و

عمومی وجود دارد. «هر جامعه‌ای معمولاً عقاید و باورهای درست و نادرست مخصوص به خود دارد». (سعیدی، ۲۰۱۴، ص. ۱۲۷). این امر ناشی از شیوه عملکرد نظام تربیتی آن جامعه است و با اصلاح و بهسازی آن می‌توان در ارتقای فرهنگ و ارزش‌های جامعه مؤثر واقع شد. براین اساس، نقش تربیت رسمی و عمومی و در رأس آن، عنصر مهم معلمان، بیشتر نمایان می‌شود تا در باورها و رفتارهای عوامانه جامعه تغییر و تکامل ایجاد کند. هم‌اکنون به ویژگی‌هایی که از منظر معلمان مقطع ابتدایی استان کردستان در سه شهر سنندج، مریوان و سقز بیان شده است، پرداخته می‌شود.

۱-۱. ناآگاهی: یکی از شاخصه‌های در ارتباط با مفهوم عوام، ناآگاهی از دانش جدید و روش‌های نوین برای زندگی در جامعه می‌باشد. «مشارکت‌کننده شماره ۲»، در این زمینه معتقد است: «از نظر من عوام به گروهی از جامعه اطلاق می‌شود که آگاهی لازم و کافی برای زندگی در جامعه خویش و پیشبرد زندگی خود را ندارند». این دیدگاه، مورد تأیید مشارکت‌کننده شماره ۶ هم بود.

۲-۱. مقابله با تجدد: شاخصه دوم مرتبط با عوام و عوامانه‌نگری از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، اعتقادات سنتی و مقابله با نوآوری می‌باشد. «مشارکت‌کننده شماره ۴»، در این مورد اظهار می‌دارد: «اجتناب از هر نوع تغییر در نگرش و باورشان، مقابله با هر نوع تجدد و دگراندیشی در جامعه و توسل و تعقل به باورهای گذشتگان» از جمله ویژگی‌های شخص عوام و عوامانه‌نگر می‌باشد. مشارکت‌کننده‌های (شماره ۱، ۳) نیز این مطلب را تأیید کرده‌اند.

۳-۱. بی‌سواد بودن: از دیگر شاخصه‌های مرتبط با مفهوم عوام، نداشتن تحصیلات ابتدایی و بی‌سوادی می‌باشد. در این زمینه، «مشارکت‌کننده شماره ۵» اظهار می‌کند: «به افرادی که فاقد تحصیلات باشند، عوام می‌گویند. در قدیم به عامه مردم خارج از شیخ و ملا و بگ و سید، عوام می‌گفتند. یعنی کسانی را که به مدرسه نرفته‌اند عوام می‌گویند». مشارکت‌کننده‌های (شماره ۳ و ۶) این مطلب را تأیید کرده‌اند.

۴-۱. داشتن رفتار عامه‌پسندانه: در این خصوص «مشارکت‌کننده شماره ۱» معتقد است: «فرد عوام فقط در مسیر باورها، ارزش‌ها و رفتارهای عامه مردم حرکت می‌کند؛ یعنی فقط رفتار عامه‌پسند را قبول دارد». این مفهوم، مورد تأیید مشارکت‌کننده‌های (شماره ۳ و ۵) نیز قرار گرفت.

۵-۱. سطحی‌نگری: از جمله مواردی که شخص عوام با آن در ارتباط می‌باشد، سطحی‌نگری می‌باشد که بدون توجه به چگونگی و چرایی مسائل و پیروی از آنها چه از لحاظ اخلاقی، فرهنگی و یا گفتاری، آنها را به کار می‌برد. «مشارکت‌کننده شماره ۳»، در این خصوص اظهار می‌کند: «به آسانی فریب می‌خورد، سطحی‌نگر است و زود قضاوت می‌کند. و کلماتی را که بدون آنکه معنی آنها را بدانند تکرار می‌کند و خیلی از اوقات اشتباه به کار می‌برد». مشارکت‌کننده شماره ۵ نیز این گفته‌ها را تأیید کرده است.

۶-۱. پرخاشگری: از ویژگی‌های فرد عوام، خشم و رنجش مکرر از مسائل کوچک و بی‌اهمیت می‌باشد. «مشارکت‌کننده شماره ۲» معتقد است: «از جمله ویژگی‌های یک فرد عوام، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. عصبانیت‌های مکرر و بی‌مورد؛ ۲. پرخاشگری نسبت به هر واقعه‌ای که کوچکترین بهانه‌ای برای پرخاشگری داشته باشد».

۷-۱. عدم برنامه‌ریزی: همچنین، بی‌برنامگی یکی دیگر از شاخصه‌های مرتبط به عوام و عوامانه می‌باشد که «مشارکت‌کننده شماره ۶» در رابطه با آن بیان کرده است: «در زندگی به آینده فکر نشود و نقش برنامه‌ریزی در زندگی کم‌رنگ شود».

۸-۱. عدم انتقادپذیری: از دیگر ویژگی‌های شخص عوام، زودرنجی از انتقادها و ایده‌های مخالف خود است. «مشارکت‌کننده شماره ۶» بیان کرده است: «هرگونه نظر مخالف با خود را قبول ندارد و هیچ نقدی را نمی‌پذیرد».

۹-۱. مخالفت با نخبگان: از دیگر شاخصه‌های عوامانه‌نگری، مخالفت کردن با ایده‌ها و سخنان نخبگانی است که پیشرفت جامعه را مد نظر دارند که در گفته‌های «مشارکت‌کننده شماره ۱» مشهود است: «یعنی مجموعه اعمالی که به خلاف سخن یا اعتقاد نخبگان است؛ مثلاً مردم عادی از عالمان متخصص سوء استفاده می‌کنند». مشارکت‌کننده شماره ۱ نیز این مطلب را تأیید کرده است.

۱۰-۱. پرداختن به امورات فرعی: یکی از شاخصه‌های رفتار عوامانه، سرگرم شدن به مسائل فرعی و پیش پا افتاده می‌باشد که «مشارکت کننده شماره ۳»، در این زمینه معتقد است: «به مسائل کم‌اهمیت توجه می‌نماید و مسائل پیش پا افتاده را بزرگ می‌کند و در رفتار و گفتار به آنها می‌پردازد و مسائل اصلی را فراموش می‌کند».

۱۱-۱. عادت به روزمرگی: در این زمینه، «مشارکت کننده شماره ۶» معتقد است: «به روزمرگی بودن عادت شود» از شاخصه‌های رفتار عوامانه به شمار می‌آید.

جدول شماره ۲. معانی رویکرد عوامانه‌نگری

تم	مقوله	مفهوم
کوتاه فکری	ایستایی معلومات	بی‌سواد بودن ناآگاهی
	تعصب فکری	مقابله با تجدد عدم انتقادپذیری مخالفت با نخبگان
	نگرش سطحی	داشتن رفتار عامه پسندانه سطحی نگری پرخاشگری
تک بعدی	خام زیستن	عادت به روزمرگی پرداختن به امورات فرعی عدم برنامه‌ریزی

۲. چالش‌های رفتارهای نشئت گرفته از عوامانه‌نگری

رویکرد عوامانه‌نگری همانند هر رویکرد دیگری، رفتارهای دیگری را نیز در پی دارد که گاهی آسیب‌هایی در پی دارد. آسیب‌هایی که هم به خود شخص و هم بخش‌هایی از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، خلل وارد می‌کند و بعضاً، مانع توسعه و پیشرفت آن قسمت از جامعه می‌شود. از این‌رو، اهمیت توجه به تربیت رسمی و عمومی بیش از پیش ضرورت می‌یابد تا با تأثیر بر نسل جوان جامعه در کاهش آسیب‌های اجتماعی و مظاهر تربیت عوامانه، موجب توسعه و تحول نظام تربیت رسمی و عمومی در کشور شود؛ چراکه «تربیت رسمی، نه تنها بیش از هر چیز تابع مقتضیات محیط اجتماعی است و حدود و ثغور و ویژگی‌های آن تحت تأثیر شرایط جامعه رقم می‌خورد، که تثبیت فرایندهای تحول مطلوب و تداوم ارزش‌ها و هنجارهای موردنظر هر جامعه نیز عمدتاً مرهون نظام تربیت رسمی آن است». (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۱۱، ص. ۱۹۵).

بدین منظور، معلمان بعضی از آسیب‌های رفتارهای عوامانه را برشمرده‌اند که به شرح زیر است:

۱-۲. نداشتن آگاهی سیاسی: یکی از آسیب‌های عوامانه رفتارکردن، نا آگاهی از وضع سیاسی جامعه است که «مشارکت کننده شماره ۱» نیز آن را تأیید کرده است و با عنوان: «نداشتن آگاهی سیاسی»، آن را از آسیب‌های رفتار عوامانه دانسته است.

۲-۲. دشمنی با دموکراسی: از جمله مواردی که به عنوان آسیب رفتار عوامانه به آن اشاره شده است، «دشمنی با دموکراسی» در گفته‌های «مشارکت کننده شماره ۱» می‌باشد.

۳-۲. نداشتن نگرش و ایدئولوژی معین: یکی دیگر از آسیب‌های عوامانه رفتارکردن، نداشتن ایدئولوژی معین در زندگی می‌باشد که «مشارکت کننده شماره ۱»، آن را با عنوان: «نبود ایدئولوژی معین» بیان کرده است.

۴-۲. طرد شدن از طرف جامعه: از جمله آسیب‌های تربیت عوامانه، مورد ترحم قرار گرفتن و مظلوم واقع شدن و فراموش شدن است که «مشارکت‌کننده شماره ۵» در تأیید آن اظهار داشته است: «گاهی توسط بخشی از مردم جامعه مورد نکوهش هستند و از طرف عده‌ای از طبقات مختلف هم که فاقد فرهنگ منسجم می‌باشند، مورد کم‌احترامی واقع می‌شوند».

۵-۲. عذاب اطرافیان و خود: یکی دیگر از آسیب‌های رفتار عوامانه، آگاه نبودن از تأثیر و نتیجه رفتار خود با دیگران و ایجاد مشکلات برای اطرافیان در گفته‌های «مشارکت‌کننده شماره ۶» می‌باشد: «عوامانه رفتارکردن بیشتر برای افراد دوروبر آنها عذاب‌آور است؛ اما گاهی آسیب‌هایی به خود افراد برمی‌گردد از جمله: عذاب کشیدن در جمع افراد دوراندیش و آینده‌نگر، ناراحتی از قضیه‌های کوچک و بی‌اهمیت و بزرگ جلوه دادن آن».

۶-۲. تقدس‌گرایی نادرست: اعتقاد به باورهای خرافی و کهنه شده و نادرست و مقدس شمردن آنها و عدم بهره‌گیری از عقل و دانش در فهم درست حقایق، می‌تواند آثار مخربی در جامعه برجای بگذارد و باعث انحراف در سطحی از جامعه می‌شوند. «مشارکت‌کننده شماره ۴»، در این خصوص اظهار کرده است: «در حوزه علم و دانش بسیار مضر است؛ مثلاً کسی که بخواهد بیماری سرطان را مثلاً با خوردن خرچنگ درمان کند و اعتقاد به علم پزشکی نداشته باشد». مشارکت‌کننده شماره ۱ این گفته‌ها را تأیید کرده است.

جدول شماره ۳. چالش‌های نشأت‌گرفته از عوامانه‌نگری

تم	مقوله	مفهوم
عقب افتادگی اجتماعی	نبود اندیشه سیاسی	ناآگاهی سیاسی
	کهنه‌پرستی / باورهای غیرمستند	دشمنی با دموکراسی
	اجتماع ستیزی	نداشتن نگرش و ایدئولوژی معین
		تقدس‌گرایی نادرست
		طرد شدن از طرف جامعه
		عذاب اطرافیان و خود

۳. مزایای رفتارهای نشأت‌گرفته از عوامانه‌نگری

عوامانه‌نگری، رویکردی است که درنهایت به انجام رفتارهایی خاص منتهی می‌شود که ممکن است در سطح اجتماع برای عده‌ای خاص، مزایایی فردی یا جمعی در برداشته باشد. در این راستا، معلمان مزایایی برای آن برشمرده‌اند؛ اگرچه این مزایا بیشتر به منافع خود شخص و کمتر به سازندگی از طریق رفتارهای عوامانه برمی‌گردد. امری که خود به یک معنا برخاسته از سطحی‌اندیشی افراد می‌باشد. «نظام تربیت رسمی در این خصوص، تحولات بنیادی نظام‌های رسمی را با منطق و تفکر راهبردی قابل هدایت می‌داند تا با توجه به وضعیت آرمانی، در وهله نخست با نگاهی آسیب‌شناسانه نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای نظام تربیتی (در شرایط کنونی) شناسایی و تبیین شود، آنگاه چالش‌های پیش‌رو و چشم‌انداز میسور نظام تربیتی ترسیم گشته و سپس برای مواجهه هوشمندانه با این چالش‌ها و تحقق چشم‌انداز، راهبردهای اصلی و پشتیبان مشخص شوند». (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۱۱، ص. ۳۳۰). مواردی که معلمان در رابطه با مزایای عوامانه رفتارکردن بیان کرده‌اند شامل مواردی به قرار زیر است:

۱-۳. ناآگاهی و الکی خوش بودن: از جمله مزایای عوامانه رفتارکردن، عدم تلاش و کوشش برای کسب آگاهی و نادان ماندن است که در این صورت، شخص به دلیل ناآگاهی از مسائل و رخدادهای پیرامون، نسبت به آنها بی‌توجه بوده و در دنیای بی‌دغدغه خود سیر می‌کند. «مشارکت‌کننده شماره ۲»، در تأیید این مطلب اظهار کرده: «عوامانه رفتارکردن اگر مزیتی داشته باشد، تنها یک مورد می‌تواند باشد و آن هم «ندانستن» است. ندانستن، کم‌مزیتی برای جاهل ماندن و خوش بودن نیست».

۲-۳. مزایای دنیوی: یکی دیگر از مزایای رفتار عوامانه که از جانب مشارکت‌کننده‌ها مطرح شد، مزایای دنیوی می‌باشد که «مشارکت‌کننده شماره ۲»، در این مورد معتقد است: «شاید مزایای دنیوی اندکی داشته باشد: بدن او و توان او زود تحلیل نمی‌رود».

(یعنی زود پیر نمی‌شود). به علت محافظه‌کاری و بی‌توجهی به مسائل زندگی فردی و اجتماعی، ددرسهای بزرگ از جانب مخالفینش، کمتر برای او پیش می‌آید. مشارکت‌کننده شماره ۵ نیز این مطلب را تأیید کرده است.

۳-۳. مشارکت سازنده: از جمله موارد دیگر در ارتباط با مزایای رفتار عوامانه، ایجاد تغییرات مثبت و سازنده با استفاده از ویژگی تابع اکثریت بودن عوام است که «مشارکت‌کننده شماره ۴»، در این خصوص معتقد است: «اگر هدف، همراهی با عوام برای ایجاد تغییرات مثبت در طول زمان باشد، بسیار هم عالی است».

۴-۳. حساسیت کمتر: نشان دادن حساسیت کمتر در برابر تغییرات از دیگر مزایا برای اشخاص عوام می‌باشد که «مشارکت‌کننده شماره ۵»، در این زمینه معتقد است: «میزان حساسیت آنها کمتر است و در لحظه از زندگی لذت می‌برند. البته در بعضی مواقع، ضررهای جبران‌ناپذیری برای افراد در پی دارد».

جدول شماره ۴. مزایای رفتارهای نشأت‌گرفته از عوامانه‌نگری

تم	مقوله	مفهوم
پخته خواری	دلخوش به مزایای دنیوی/	ناآگاهی و الکی خوش بودن
	دنیاپرستی	مزایای دنیوی
	انعطاف‌پذیری	مشارکت سازنده حساسیت کمتر

۴. رویکرد عوامانه‌نگری در تعلیم و تربیت رسمی در نگرش معلمان مقطع ابتدایی

براساس یافته‌های فوق می‌توان گفت که مقصود از عوامانه‌نگری در تعلیم و تربیت، وجود باورها و نگرش‌ها و کنش‌هایی است که عوامل درگیر در امر تربیت از جمله معلمان، مدیران مدارس، برنامه‌ریزان، والدین و البته شاگردان، در امر تعلیم و تربیت به کار می‌گیرند؛ چراکه عوامانه‌نگر بودن، امری است که ممکن است مستقل از افراد در حوزه‌های گوناگون اجتماعی حضور داشته باشد و طبیعتاً در همه رشته‌ها وجود دارد. چراکه «دامنه و گستره باورها، تنها به افراد عامی و جاهل مربوط نمی‌شود؛ چه بسا می‌توان افرادی را یافت که علی‌رغم آنکه تحصیل کرده هستند و از طبقات روشنفکر جامعه به شمار می‌آیند، به شدت به برخی باورهای نادرست ایمان دارند» (سعیدی، ۲۰۱۴، ص. ۱۲۴). در همین راستا و در حوزه تعلیم و تربیت نیز عوامانه‌نگری برخی از کارکنان، بسیاری از مسائل و معضلات تربیتی را به دنبال دارد که زمینه بسیاری از مشکلات دیگر در دیگر حوزه‌ها می‌باشد؛ چراکه افراد عوامانه‌نگر در تعلیم و تربیت نسبت به تغییرات، واکنش مثبتی ندارند و بیشتر بر اطلاعات قبلی خود متکی بوده و از دانش جدید و به‌روز برای ارتقای سطح دانش خود در راستای ایجاد تعالی در نظام تربیتی بهره نمی‌برند. این افراد، به ابعاد هیجانی، عاطفی و شخصیتی شاگردان توجهی ندارند و صرفاً انتقال مفاهیم را به روش‌های سنتی و بدون استفاده از تکنولوژی آموزشی ارائه می‌دهند و باعث ناکارآمدی در تعلیم و تربیت می‌شوند؛ لذا می‌توان تأثیر نگرش عوامل تعلیم و تربیت بر نظام تربیتی را به وضوح درک کرد. امری که به‌جای فراهم کردن زمینه برای آزاداندیشی و هدایت‌نگر بودن در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، عامل گسترش عوامانه‌نگری در جامعه نیز خواهد بود؛ لذا فراهم کردن چهارچوب نظری منسجم و جامع، ایجاد تفکر علمی و آشنایی با اصول و مؤلفه‌های کارآمد و به‌روز نظام تربیت رسمی و عمومی از جمله مواردی هستند که از منظر معلمان در پیشرفت جامعه و ایجاد تحولات بنیادین در نظام تربیتی امری ضروری هستند. از همین رو، عوامانه‌نگری در تعلیم و تربیت مبنی بر وجود شاخص‌هایی است که مخالف با تحقق اهداف و چشم‌اندازهای آینده‌نگرانه نظام تربیت رسمی و عمومی می‌باشد. امری که ممکن است در برخی از کارکنان و دست‌اندرکاران نظام تربیتی یک کشور، بومی شده باشد؛ لذا با توجه به بحث این پژوهش، هم‌اکنون به بیان این شاخص‌ها در تعلیم و تربیت از دیدگاه خود معلمان پرداخته می‌شود:

۴-۱. مقاومت در برابر تغییر: یکی از شاخصه‌های عوامانه‌نگر بودن به تربیت رسمی و عمومی، تغییر نکردن اعتقادات، روش‌ها، فرهنگ و ارزش‌های معلمان در زندگی حرفه‌ای و اجتماعی خود می‌باشد که ناخودآگاه در نسل‌های آینده نیز تأثیرگذار است. در این زمینه،

«مشارکت‌کننده شماره ۱»، معتقد است: «از دید من، معلم عوام کسی است که همواره خود را مقید به طرز فکری می‌داند که هنوز درباره درستی یا نادرستی آن طرز فکر، پژوهش نکرده است. واژه تغییر بزرگترین دشمن اوست؛ تا جایی که خود نیز در ذهنیت خود می‌داند که اعتقاد یا بعضی رفتارهایش نادرست است؛ اما به‌خاطر قضاوت مردم آنها را ترک نمی‌کند». گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مشارکت‌کننده‌های (شماره ۶ و ۴، ۳، ۲) بود.

۲-۴. نخبه‌ستیزی: یکی دیگر از شاخصه‌های معلم با نگرش عوامانه، انتقاد از نخبگان و موضع گرفتن درمقابل آنان است. در این زمینه، «مشارکت‌کننده شماره ۱»، معتقد است: «معلم عامی نگر، بزرگترین دشمن نخبه و جامعه علمی هر کشوری است و به جای افتخار به امور اکتسابی وی به امور انتسابی افتخار می‌کنند؛ مثلاً برخی از این معلمان در کردستان، به‌جای افتخار و سعی در رسیدن به گرایش‌های اکتسابی نخبگان، مانند پیشرفت، رفاه، عدالت، آگاهی سیاسی - اجتماعی به گرایش‌های احساسی و انتسابی عوامانه، مانند طبیعت، صنایع دستی، موسیقی، زبان و مذهب می‌پردازند».

۳-۴. افکار سنتی: آموزش و پرورش، زیربنای توسعه و پیشرفت یک جامعه در بسیاری حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد و تغییر ندادن افکار و روش‌های قدیمی در آموزش و عدم خلاقیت و نوآوری در نظام تعلیم و تربیت از سوی معلمان، از جمله مهم‌ترین مواردی است که جامعه را از پیشرفت و نوآوری باز می‌دارد. در این زمینه «مشارکت‌کننده شماره ۴»، اعتقاد دارد: «فرد عامی در آموزش و پرورش فردی است که با روش‌های قدیمی تدریس می‌کند و اعتقاد به تکنولوژی و نرم‌افزار و اینترنت ندارد و باورش، باور گذشتگان است». مشارکت‌کننده‌های (شماره ۱، ۲ و ۳) نیز این مطلب را تأیید کرده‌اند. به اعتقاد آنها فقط به فکر اجرای بخش‌نامه بودن و در آغاز سال تحصیلی جدید با آگاهی‌های سال قبل و عدم ابتکار شروع کردن، از ویژگی‌های فرد عامی در حوزه آموزش و پرورش است.

۴-۴. نداشتن آشنایی با اصول علمی: آشنا نبودن با اصول علمی آموزش و پرورش فرد معلم را در زمره افراد عوامانه‌نگر در تعلیم و تربیت قرار می‌دهد. «مشارکت‌کننده شماره ۵» در این مورد اعتقاد دارد: «فرد عامی در حوزه آموزش و پرورش، دیگر لزوماً اختصاص به عوام بودن فرد در جامعه ندارد و هر فردی که با اصول علمی آموزش و پرورش ناآشنا باشد، فرد عامی است». مشارکت‌کننده شماره ۶ نیز این گفته‌ها را تأیید کرده است.

۵-۴. اندیشه نکردن: از دیگر شاخصه‌های عوامانه‌نگر بودن، عدم تفکر و اندیشه می‌باشد. عادت به روزمرگی و عدم تفکر در فرایند تعلیم و تربیت، افراد را از رسیدن به قابلیت‌های درونی خود و دستیابی به تکامل باز می‌دارد و افرادی تک بعدی بار می‌آورد که نتیجه مطلوبی ندارد؛ چراکه اندیشیدن، اساسی‌ترین عامل در شکوفایی استعدادها و رسیدن به بصیرت و پیشرفت در زندگی است. «مشارکت‌کننده شماره ۳» در این باب معتقد است: «معلم یا مدیری که دچار روزمرگی است، هیچ‌گاه به فکر تغییر و تحول نیست و هم و غم آنها اجرای بخشنامه است و در زندگی آنها ابتکار و خلاقیتی وجود ندارد».

۶-۴. عدم آینده‌نگری: مربیان، هنگام اجرایی کردن عملی کاری، چگونگی انجام و نتایج آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند؛ در صورتی که معلمان عوامانه‌نگر، آینده‌نگری نسبت به فرایندی که در پیش گرفته‌اند و نتیجه آن توجهی ندارند. در این زمینه، «مشارکت‌کننده شماره ۳» اعتقاد دارد: «معلم عوام در نظام تعلیم و تربیت، به‌جای توجه به نتیجه اعمال، به قضاوت رفتار دیگران می‌پردازد».

۷-۴. عدم پیشرفت: از دیگر شاخصه‌هایی که در رابطه با عوامانه‌نگری در تعلیم و تربیت توسط مشارکت‌کننده‌ها مطرح شد، عدم پیشرفت چه از لحاظ فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی و چه از لحاظ تربیتی می‌باشد. در این راستا گفته‌های «مشارکت‌کننده شماره ۳» قابل تأمل است: «از نظر فردی، معلم عامی همیشه درجا می‌زند و چون بیشتر اوقات فریب می‌خورد از جهت اقتصادی متضرر می‌شود و پیشرفت نمی‌کند. و از جهت اخلاقی هیچ‌گاه مراتب بالای ارزش‌های معنوی و ارزش‌های بالای انسانی و معنوی را کسب نمی‌نماید. و از نظر اجتماعی و عمومی، جامعه متشکل از افراد عوام، پیشرفت آن‌چنانی ندارد و از نظر فرهنگی، همیشه وابسته می‌باشد و حرفی برای گفتن ندارد». این گفته‌ها مورد تأیید مشارکت‌کننده شماره ۲ قرار گرفت.

جدول شماره ۵. مقوله‌بندی شاخصه‌های معلّم عوامانه‌نگر در تربیت

تم	مقوله	مفهوم
روش‌های سنتی آموزش	فایده اندیشه خلاق	افکار سنتی
		اندیشه نکردن
عدم تحول فردی و فرهنگی	عدم کسب بینش و پیشرفت علمی	نخبه‌ستیزی
		نداشتن آشنایی با اصول علمی
		مقاومت در تغییر
		عدم آینده‌نگری
		عدم پیشرفت

نتیجه‌گیری و بحث

هدف پژوهش حاضر، واکاوی شاخصه‌های رویکرد عوامانه‌نگری معلّمان در حوزه آموزش، تربیت و تربیت رسمی و عمومی از منظر معلّمان ابتدایی در استان کردستان در سه شهر سنندج، مریوان و سقز می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، از روش‌های پژوهش اسنادی-کتابخانه‌ای، توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای کمی توصیفی از نوع متن نوشتاری، بهره برده شد. بدین ترتیب، پژوهش در دو گام اصلی و هر گام در چند مرحله پیش برده شد: در گام نخست، ابتدا معانی واژه‌گانی «عوام» و برخی از همبسته‌های آن از منابع و مراجع و فرهنگ واژه‌گان مختلف و معتبر فارسی و انگلیسی جمع‌آوری شد. در مرحله دوم، معانی عوامانه‌نگری در حرفه‌های تخصصی به‌طور اختصار بیان شد. در گام دوم، ابتدا به بیان ویژگی‌های مفهوم عوام به‌طور کلی، سپس مزایا و چالش‌های عوامانه‌نگری و سرانجام شاخصه‌های رویکرد عوامانه‌نگری در تربیت رسمی و عمومی از منظر معلّمان مقطع ابتدایی در سه شهر مذکور استان کردستان پرداخته شد.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش، دال بر این که شاخصه‌های عوامانه‌نگری در معنای کلی آن را چگونه می‌توان تحلیل نمود، براساس یافته‌های این قسمت، می‌توان دریافت که عوامانه‌نگری، در یک دیدگاه کلی، به افکار، باورها، عقاید و منش افراد و به‌طور کلی رویکردی سنتی که افراد مختلف در پیش می‌گیرند گفته می‌شود و برخلاف تصور عموم، این رویکرد تنها به قشر ضعیف، کم‌سواد و دارای آگاهی پایین و نادرست از امور جامعه اطلاق نمی‌شود و کلیه افراد را در هر حرفه‌ای که بینش و تفکری ضعیف و سنتی داشته باشند را دربرمی‌گیرد؛ براین اساس، این رویکرد، همان‌طور که از دیدگاه متخصص یک حرفه مصادیق خاص خود را دارد و از این منظر، دیگر متخصصان غیر از حوزه خود را عوام به شمار می‌آورد، به همان‌سان ممکن است خود نیز در زمره افراد عوام برای دیگر متخصصان واقع شود و این دیدگاه تصدیقی برای گسترده‌گی رویکرد عوامانه‌نگری می‌باشد. اگرچه معانی و همبسته‌های این رویکرد در فرهنگ لغات معتبر و مختلف با شاخصه‌هایی همچون جاهل و بی‌سواد، میزان دانش و آگاهی پایین، سطحی بودن و... تعریف شده است؛ اما یافته‌ها در پژوهش حاضر و میان معلّمان نشان می‌دهد که این معنی تنها یکی از مؤلفه‌های به کار رفته برای این رویکرد می‌باشد؛ چراکه عوامانه‌نگری رویکردی فراتر از این معانی را شامل می‌شود.

در تحلیل این سؤال می‌توان گفت که برای فهم شاخصه‌های عوامانه‌نگری به‌طور کلی، می‌توان این مفهوم را از دو منظر تحلیل نمود: منظر نخست، نگاهی است که بین بیشتر مردم رواج دارد؛ منظری که گذشته‌نگر، سنتی و کلاسیک است. از این منظر، که شامل بیشتر افراد می‌شود، مفهوم عوامانه‌نگری دارای یک سری شاخصه‌ها می‌باشد. جالب توجه اینکه خود افراد عوامانه‌نگر، به این شاخصه‌ها آگاهی نداشته و هیچ وقت خود را عوام نمی‌دانند. آنها نگاه از بالا به پایین به مسائل داشته و همواره تنها دیگران را در آن دایره می‌بینند. شاخصه‌هایی از قبیل: نیازمند غیر بودن برای پیشبرد امور تخصصی زندگی شخصی دردنیای امروزین، وابسته بودن روحی، سطحی اندیشی و اهل شایعه‌سازی و شایعه‌باوری، زودباوری، غیر منتقد، خودمحوری، دیدن امور به‌صورت سیاه یا سفید و نه خاکستری، دمدمی بودن، منفعت‌طلبی، عدم تغییرپذیری، داشتن روال تکراری در گفتار، رفتار، پوشاک، پیش‌بینی‌پذیر در گفتار و رفتار،

ترس داشتن از تغییر و محافظه‌کاری در حد افراطی، عدم آینده‌نگری، علاقه‌مند به پنهان‌کاری، اعتقاد نداشتن به بیمه و پس‌انداز، وابسته به سنت پدران و اجداد خود، زود عصبانی شدن، انتظار احترام دیدن زیاد از طرف دیگران از جمله تمام کسانی که از نظر سنی از وی سن کمتری دارند؛ عدم درک دیگری و انتظار درک شدن از طرف همه، انتظار مورد مشورت قرار گرفتن بدون مشورت گرفتن در امور خود از دیگران، داشتن ایده‌های ثابت در مورد بیشتر مسائل زندگی، اهل نصیحت کردن و داشتن انتظار نصیحت نشدن، بی‌توجهی به زنان و کودکان، پایبندی شدید به رسم و عادت و عرف، احترام گذاشتن تنها به بزرگتر از خود، ترس از قانون‌شکنی و فراروی از عادات رایج عرفی در جامعه، رفتار براساس انتظارات اکثریت، اهمیت دادن به نظر دیگران و براساس آنها زیست نمودن.

از منظر دوم، عوامانه‌نگری از نگاه حرفه و تخصصی خاص و نه ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری خاص مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ لذا فرد عوامانه‌نگر کسی است که یا اصلاً دارای تخصص خاصی نیست که این معنا، با معنای اول قرابت دارد. و یا علی‌رغم اینکه دارای تخصص حرفه‌ای در حوزه و گرایش خاص است، اما وی تنها خود و همکاران خود در همان حوزه را خاص و غیر عوام می‌داند و بقیه افراد را عوام تلقی می‌کند. نگاهی که همواره همراه با نوعی قضاوت است و نوعی غرور و تعصب نسبت به طبقه و قشر خود را به همراه دارد. همین امر برای وی انتظاراتی از دیگران ایجاد می‌کند. انتظاراتی که اگر برآورده نشود، ممکن است یا وی را ناراحت کند و یا رفتار خاصی را نسبت به آن افراد انجام دهد. از آنجاکه حرفه وی طوری است که درآمد کافی دارد و از منظر روحی در آرامش و در زندگی در آسایش است؛ لذا کمتر برای دیگران احترام قائل می‌شود. احساس می‌کند که همواره دیگران هستند که به وی نیاز دارند نه وی به دیگران. برای نمونه، یک پزشک دارای بورد تخصصی یا فوق تخصصی / فلوشیپ جراحی در زمینه‌ای خاص. این فرد ممکن است دیگر افراد در بیمارستان مانند پزشکان عمومی و پرستاران و کارمندان را مورد بی‌مهری قرار دهد. البته این امر می‌تواند شامل تمام حوزه‌های تخصصی مورد نیاز جامعه و دارای مراجع بالا باشد.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، با عنوان چالش‌ها و مزایای احتمالی عوامانه رفتارکردن از منظر معلمان استان کردستان را چگونه می‌توان تبیین نمود، در دو بخش چالش‌ها و مزایا به این سؤال پاسخ گفته می‌شود. براساس یافته‌های بخش نخست، یعنی چالش‌های رفتارهای عوامانه، شامل یک تم، سه مقوله و شش مفهوم می‌باشد، رفتار عوامانه دارای چالش‌هایی است از قبیل: عدم آگاهی سیاسی، دشمنی با دموکراسی، تقدس‌گرایی نادرست و عدم پیشرفت.

در تحلیل این مورد می‌توان گفت که در این زمینه، عوامانه رفتارکردن در همه زمینه‌های سیاسی، مذهبی، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی تأثیرگذار است و این نشان از گستردگی رفتارهای عوامانه‌نگر در بیشتر حیطه‌ها می‌باشد که معلمان می‌توانند به آن دچار شوند و بجای بازسازی نظام آموزشی و بالا بردن آگاهی خود و دیگران در زمینه‌های متنوع و سعی در ایجاد نظامی آموزشی و تربیتی کارآمد و به‌روز و پویا، همان روش‌های کهنه و ضعیف شکل گرفته شده در ذهن خود را درست و قالب غالب تلقی کرده و تلقین آن را به شاگردان ادامه می‌دهند. آنها با این طرز تلقی، شاگردان خود -و اکثریت جامعه- را نه انسان‌های خلاق، متفاوت و پویا، و منبعی برای آموختن نمی‌دانند؛ بلکه موجوداتی، ناآگاه، نیازمند به معلمان، ایستا، ضعیف، تابع، دارای ذهن سفید و وابسته به اندیشه‌ها و باورهای تک‌بعدی و سنتی خود می‌دانند. این معلمان، چون کتاب‌های درسی را تنها منبع یادگیری می‌دانند؛ لذا خود و شاگردان را وابسته به آن دانسته، چراکه کتاب‌های درسی را تنها منبع و شرط تحول تلقی کرده و در نتیجه شاگردان را غیر متفکر، غیر منتقد، غیر پویا، تک‌بعدی، سطحی اندیش، دگم و فاقد مهارت استدلال بار می‌آورند. افرادی که در فردای زندگی خود نمی‌توانند با دیگران زیست مسالمت‌آمیز داشته باشند، ارزش‌ها را ارج بنهند و به قدرت تشخیص خود اعتماد کنند. چراکه معلمانی که تنها از یک تجربه، طرز تفکر، روش و نگاه خاص برای نسل‌های متوالی استفاده می‌کنند و توانایی انعطاف‌پذیری و تغییر طرز تفکر و اندیشه خود متناسب با تغییر و تحولات روز و نیازها و ویژگی‌های نسل جوان را ندارند، نه تنها از سواد کافی برای تربیت نسل آینده جامعه برخوردار نمی‌باشد و در نتیجه فعالیت آنها، تحولی در نظام آموزشی صورت نمی‌گیرد، بلکه باعث ایجاد عقب افتادگی فردی، اجتماعی، بین‌المللی و سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه نیز خواهند شد. این امور سبب ایستایی و عدم پویایی و تحول و نوآوری در نظام آموزشی می‌شوند که مانع بسیار جدی در پیشرفت و ترقی جوامع است. از این روست که در کنار دیگر عوامل، عامل اصلی همه اینها را می‌توان

در نحوه تربیت کردن و نوع نگرش معلمان به شاگردان، به کتب درسی، به جامعه و... که در مرکز نظام تربیتی قرار دارند، جست‌وجو کرد. این نگرش‌ها، می‌تواند کلیه افراد دارای تخصص و فاقد تخصص با افکار تک بعدی و نادرست را دربرگیرد که بر اثر باورهای نادرست و یا سوء تفاهم در امر تعلیم و تربیت که ناشی از ناآگاهی و عوامانه‌نگری زمان شاگردیشان است، در همه زمینه‌ها آسیب وارد کنند و نسل‌های متوالی را در جامعه دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری کنند. در این خصوص بخشی از این یافته‌ها با یافته‌های ضروری (۲۰۲۲) همسویی دارد؛ از این لحاظ که باورهای عامیانه به دلیل تأثیرگذاری و گستردگی که دارند، در اشعار شاعران نیز نمود یافته است تا ضمن غنای پشتوانه فرهنگی شعر خود، تأثیر عاشقانه بیشتری بر مخاطب بگذارند.

بر اساس یافته‌های بخش دوم از سؤال دوم، مزایای احتمالی این نوع نگرش و رفتارها از نظر معلمان- که یافته‌های آن براساس نظر معلمان استان کردستان، شامل یک تم، دو مقوله و چهار مفهوم می‌باشد- شامل مزایای فردی مانند مزایای مادی دنیوی، مشارکت سازنده و داشتن حساسیت کمتر، اختصاص وقت کمتر، داشتن عمر بیشتر، آسودگی بیشتر، درست به اندازه حقوق و مزایا کار کردن، ندادن امتیاز بیشتر به شاگرد و والد می‌باشد.

این موارد شامل اموری مانند بی‌خیالی معلم، درگیر نکردن خود با والدین و شاگردان و همکاران، دوری گزیدن از دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی، مسئله محور نبودن، نداشتن دغدغه دیگری است؛ که در اصل ریشه در نوعی خود-محوری دارد. این مزایا، در اصل، امر صوری و ظاهری و بیشتر خود را به بی‌اطلاعی زدن و در ارتباط با منافع مادی و افکار خودمحورانه، برخی از آنها می‌باشد؛ چراکه با استناد به دیدگاه معلمان، معلم عوام به دلیل عدم انعطاف‌پذیری در تغییر نگرش و تصورات نادرست خود و ساده انگاشتن مفهوم تربیت و زندگی، از سلوک مناسب تربیتی عقب می‌ماند و مسیر تکامل و رسیدن به کیفیت مطلوب، با تصور عوامانه‌نگری وی در زندگی دچار نقصان می‌شود و به جای تربیت و آموزشی مبتنی بر روش‌های امروزی که جوابگوی نسل جوان و مبتنی بر خلاقیت و اندیشیدن باشد، رویکردی سنتی پیش گرفته که نسلی منفعل و عوام‌گرا تربیت می‌کند که هیچ‌گونه حساسیتی نسبت به جامعه خود ندارند و باعث ایجاد معطل و بحران در جامعه خواهند شد؛ لذا آن‌طور که شکوهی ابراز می‌دارد «تربیت که اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم آوردن شرایط مساعد برای رشد در جهت مطلوب می‌باشد» (شکوهی، ۲۰۱۸، ص. ۳۳)، با بی‌توجهی و ایجاد تصورات ساده و کم عمق از آن و در نظر گرفتن منافع مادی، به عوامانه‌نگری منجر می‌شود و از جریان هدف اصلی خود منحرف شده و ایجاد یک جامعه عوامانه‌نگر می‌کند که باعث خلل در دیگر زمینه‌ها نیز می‌شود. در این راستا، بخشی از یافته‌های این پژوهش با یافته‌های کار پاکدل (۲۰۱۰) سازگاری دارد؛ چراکه وی نشان داد که بسیاری از آنچه به فرهنگ عامه مربوط می‌شود، ریشه در جهل و نادانی دارد و امروزه به راحتی می‌توان این گونه باورها را ناشی از کج‌اندیشی‌ها و تصورات نادرست از وقایع دانست و دانش بشری را در پاسخ‌گویی به بسیاری از خرافه‌ها و عناصر فرهنگ عامه، کافی تلقی کرد.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، با عنوان «چگونه می‌توان معنای عوام و عوامانه‌نگری معلمان از منظر معلمان استان کردستان را تبیین نمود»، یافته‌ها حاکی از این است که این رویکرد از منظر معلمان استان کردستان در سه شهر سنندج، مریوان و سقز دارای دو تم، چهار مقوله و یازده مفهوم می‌باشد که نشان می‌دهد مفهوم عوام دارای معانی متعدّد اما مرتبطی است و این مفهوم، مفهومی تشکیکی است. معانی زیر برای مفهوم عوام و عوامانه‌نگری معلمان مورد نظر بوده است: بی‌سوادی، مقابله با تجدد، سطحی‌نگری، عدم برنامه‌ریزی و داشتن رفتار عوام‌پسندانه، بی‌دغدغه بودن، خود-محوری، سطحی‌اندیشی و... در این راستا می‌توان اظهار کرد که مفهوم عوام در معنای بی‌سوادی، از دو جهت قابل تبیین است: از یک جهت، عوام به معنی بی‌سوادی مطلق که از این جهت، افرادی نزد معلمان عوام‌اند که فاقد سواد علمی‌اند و از دانش و آگاهی تخصصی لازم جهت پیشرفت و توسعه و رسیدن به سطح والای انسانی برخوردار نیستند. از سوی دیگر، معلمانی که توانایی ایجاد تغییر در باورها، نگرش و اعتقادات سنتی در زندگی با استفاده از آموخته‌ها و دانسته‌های خود را ندارند و فاقد سوادهای عاطفی، ارتباطی، تربیتی و فرهنگی می‌باشند، در این بخش از معانی گنجانده می‌شوند؛

لذا باتوجه به دیگر مفاهیم مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان، معنی اخیر از بی‌سوادی، می‌تواند تعریفی فراگیر برای معانی برشمرده برای معلم عوام و عوامانه‌نگر در حیطه تربیت رسمی و عمومی باشد.

در تحلیل این امر می‌توان گفت که از منظر معلمان استان کردستان، معنای عوامانه‌نگری یک دست و یک معنا نیست. البته همه معلمان عوام نیستند و همه آنها هم به یک اندازه در یک زمینه خاص نگرش عوامانه ندارند. البته این امر به معنای خواص بودن همه معلمان نیست؛ چرا که بیشتر معلمان صرفاً در مقطع کاری خود و بعد از گذشت سال‌ها کسب تجربه است که متخصص می‌شوند. البته نوع نگاه تخصصی آنها مشروط به اموری از قبیل میزان مطالعه، میزان مشارکت آنها در گفت‌وگوها و همایش‌های علمی، نوع نگرش فکری و وضعیت غالب بر جامعه مانند شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. البته آنها، به اذعان خود، کمتر به این مفهوم فکر کرده و خود را برتر و متفاوت از دیگران، نمی‌دانند. هم‌چنین نگاه آنها به عوامانه‌نگری، نگاهی بسته نیست. بدین معنا که فقط خود یا طبقه خود را برتر و غیر عوام نمی‌دانند؛ بلکه معتقدند که در میان خود معلمان هم نگرش و رفتار عوامانه و سطحی وجود دارد. نگاهی که در گام نخست، خود معلمان و خانواده آنها را درگیر می‌کند و سپس به دانش‌آموزان و جامعه سرایت می‌کند. سرانجام، معلمان تنها خود را عامل گسترش این نوع نگاه نمی‌دانند؛ چراکه عوامل موثر دیگری مانند والدین، رسانه‌ها، دوستان و محیط غیر آموزشی را نیز عناصر سهم در آموزش یافتگی کودکان و رواج این نوع نگرش می‌دانند. در این ارتباط بخشی از این یافته‌ها با یافته‌های عمرانی و همکاران (۲۰۲۳) سازگار است؛ از این‌رو که نشان دادند باورهای عامیانه در دوره قاجار به دلایلی از جمله جهل و نادانی، فلاکت اغلب مردم در دوره قاجار، محدودیت‌ها و نادیده گرفتن زنان در جامعه و زندگی خانوادگی در بین مردم زیاد شده بود که این عوامل باعث شده بود در باورها و عقاید مردم خدشه وارد شود و گرایش به سمت خرافات برای رهایی از مشکلاتی که گریبان‌گیرشان بود، زیاد شود.

سرانجام در پاسخ به سؤال آخر، دال بر اینکه شاخصه‌های خاص رویکرد عوامانه‌نگرانه میان معلمان در حوزه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی از منظر معلمان استان کردستان را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟ براساس اظهارات معلمان، این شاخصه‌ها گسترده و متنوع هستند. از یک سو، این رویکرد در حوزه آموزش و پرورش، به معلمانی گفته می‌شود که تک بعدی، کم‌مطالعه، کلاس‌محور، کتاب‌محور، معلم‌محور، تک روش بودن در امر تدریس و آموزش، پیش‌بینی‌پذیری در حرفه خود، غیر فعال در کلاس، غیر مسئله‌محور در امور آموزشی و تربیتی، و از دیگر سو، نداشتن قوه نقاد و تحلیلی، نداشتن مهارت پیش‌بینی‌پذیری در حوزه‌های کلان آموزشی و تربیتی، به‌روز نبودن در حوزه کاری خود، خنثی بودن نسبت به مسائل اجتماعی و فرهنگی و تربیتی در سطح کلان، مطلق اندیش و خودمحور در آموزش شاگردان، نداشتن مهارت استدلال‌آوری و استدلال‌پذیری، غیر متفکر بودن، فاقد برخورداری از قوه خلاقیت، کوتاه‌فکری، پژوهش‌محور نبودن، عدم تفکیک بین آموزش و تربیت، عدم فراروی از حرفه خود و نسبت دادن آن به امور اجتماعی، تک بعدی نگری، فقدان نگاه کلی نگر در امور آموزشی، عدم تعامل با نهادهای مؤسسات فرهنگی و آموزشی خارج از محدوده کاری خود و... که هیچ‌گونه پویایی در دانش، فکر و رفتار آنها دیده نمی‌شود، اشاره دارد.

در تحلیل این امر می‌توان افزود که، وجود معلمانی با باورهای دارای چنین شاخصه‌هایی در آموزش و پرورش، به‌عنوان عوامل اصلی بازدارنده در رسیدن به تغییر و تحولات اساسی در اندیشه‌ها، طرز تفکرها، باورها و گسترش رفتارهای عوامانه و سنتی در آموزش و تربیت به شمار می‌روند که سبب توسعه‌نیافتگی جامعه نیز خواهند بود؛ چراکه محور اصلی توسعه و ارتقای هر جامعه‌ای به طرز تفکر، میزان مطالعه، نوع نگرش و رفتار عاملان آموزش و تربیت آن بستگی دارد. محور توسعه‌ای که معلم در مرکز آن قرار دارد. می‌توان گفت که شاخصه‌هایی مانند مقاومت در برابر تغییر، دارا بودن افکار سنتی نسبت به تربیت، عدم آینده‌نگری و آشنا نبودن با اصول علمی حوزه تخصصی و حرفه‌ای معلمی خود، تأکید بر آموزش به جای تربیت، می‌تواند در غلبه نگرش عوامانه مؤثر باشند. این شاخصه‌ها از جمله مهم‌ترین مواردی هستند که نشان می‌دهد یک معلم تا چه میزان به نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی مدرن و متفاوت، کارآمد و خلاق پایبند بوده و در راستای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی تعلیم و تربیت رسمی و عمومی از اطلاعات و فناوری‌های روز بهره برده و در ارتقای سطح علمی جامعه، نقش خود را ایفا کرده است. عوامانه‌نگری در تعلیم و تربیت، به این دلیل

که اطلاعات به‌روز و یادگیری مادام‌العمری در آن وجود ندارد و معلمان با همان اطلاعات دیروزی که خود با آن بزرگ شده‌اند، تفکر خود را به شاگردان امروز القا کرده و ناخواسته سرستیز با نخبگان و افراد خلاق و متفاوت اندیش پیدا می‌کنند. استمرار این امر، خود باعث ایجاد نسلی منفعل و تک بعدی شده و در همه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار بوده و به تبع آن، همین امر در جامعه گسترش پیدا کرده و عامل ناکارآمدی آنها در سازمان‌ها خواهد شد. به‌طوری که عامل اصلی در استمرار نگرش عوام‌گرایی در آن خواهد شد. برچنین زمینه‌هایی در این نگرش، عوامانه‌نگری معلمان در تعلیم و تربیت رسمی، به عنوان تهدیدی برای پیشرفت و تغییر و تحولات آینده تعلیم و تربیت تعبیر شده است. چراکه نقش معلم در توسعه نظام تربیتی ایجاب می‌کند تا دانش و بینش لازم را از طریق ایجاد یک ذهنیت اندیشه‌ورز و تغییر و تحول و آینده‌نگری روشمند و هدف‌مند در خود کسب کرده و با هوشمندی در توسعه نظام تربیتی و به تبع آن، ایجاد جامعه‌ای متفکر از طریق شاگردان خود به جای جامعه‌ای عوامانه‌نگر، بکوشد. از این‌رو، با عنایت به شاخص‌های بیان شده که در رابطه با رفتار و نگرش عامیانه معلمان درباره تربیت و اجتماع است، می‌توان گفت که رویکرد عوامانه‌نگرانه در تربیت رسمی و عمومی با نگرش و رفتارهایی که بیشتر جنبه سطحی و عمومی دارند تا عمقی و تخصصی، در تضاد با قدرت تحلیل و تفکر، منطقی و چندجانبه‌نگری بودن از اهداف تربیت رسمی و عمومی می‌باشد و از این جهت، لزوم توجه بیشتر به اهداف و کارکردهای نظام تربیتی در نگره معلمان مقطع ابتدایی مشخص می‌شود تا در نظام تربیتی سنتی نیز تحول ایجاد شود. البته معلمان بیشتر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رایج در یک جامعه را بر افزایش این نوع نگاه مؤثر می‌دانند. هرچند بسیاری از معلمان خود را خارج از آن دانسته و نه تنها به آن فکر نمی‌کنند، بلکه به پیامدهای دانستن این نوع نگرش آگاه نبوده و هموار خود را فردی روشن‌نگر تلقی کرده و دیگری را عامل رواج آن می‌دانند. این افراد کمتر اجازه می‌دهند تا شاگردان به خودیت خود برسند. شاگردان آنها نه متفکر و نقاد و خلاق و پرسشگر، بلکه اهل شایعه، منفعل، محافظه‌کار و پذیرنده خواهند بود که در این زمینه معلمان می‌توانند با افزایش آگاهی خود در جهت کنترل و مدیریت این باورها گام‌های مهمی بردارند و به ایجاد جامعه‌ای متفکر و آگاه کمک کنند. در این راستا، بخشی از یافته‌های پژوهش ما با یافته‌های پژوهش لئو (۲۰۲۳) سازگاری دارد؛ از این لحاظ که مدیریت باورهای عامیانه روستایی نه تنها می‌تواند موجب نوآوری در توسعه فرهنگ سنتی شود، بلکه به توسعه اقتصاد روستایی و اجرای راهبرد بازآفرینی روستا کمک کند. در این ارتباط یافته‌های ما با یافته‌های تورف (۲۰۱۴) هم‌سویی دارد؛ چراکه هر دو بر این اعتقادند که باورهای عامیانه در برابر تغییرات مقاوم هستند و باعث ایجاد شکاف در موفقیت می‌شود. در این راستا، یافته‌های پژوهش علی اکبرزاده (۲۰۱۸) با بخشی از یافته‌های کار ما سازگاری دارد؛ چراکه هردو بر این نگرش‌اند که هر رسم و آیینی که امروزه در میان اقوام جاری است، ریشه در گذشته و فرهنگ عامیانه آنها دارد. یافته‌های رستم‌پور (۲۰۱۶) نیز با بخشی از یافته‌های پژوهش حاضر دارای اشتراک است؛ چرا که بیان می‌کند عوام در نگاه اولیه، عرفاً افرادی هستند که در مراحل اولیه خودشناسی هستند و فقط به ظاهر توجه دارند و دارای آگاهی کمتری می‌باشند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش فیروزکوهی (۲۰۱۵) هم‌سویی دارد؛ چراکه هردو بر این نگرش‌اند که باورهای خرافی و عامیانه متأثر از فرهنگ و جامعه فرد است و بسامد باورهای عامیانه در مقایسه با باورهای دینی و خرافی، بیشتر است.

پیشنهادهای پژوهشی

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر به محققان و متخصصان نظام تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود که: ۱. از آنجاکه پژوهش حاضر به بررسی نگرش معلمان از عوامانه‌نگری در تربیت رسمی و عمومی پرداخته است، پیشنهاد می‌شود به بررسی و تحلیل نگرش والدین/ دانش‌آموزان/ مدیران مدارس و... نیز در این زمینه بپردازند. ۲. براساس یافته‌های پژوهش حاضر، افکار سنتی و ناآشنایی با اصول علمی آموزش و پرورش از مفهوم‌های برشمرده برای فرد عامی در حوزه آموزش و پرورش می‌باشد؛ لذا پیشنهاد می‌شود که ضمن تغییر در نگرش و افکار خود و آگاهی از اصول و روش‌های علمی و نو، رویه‌های جدید و خلاقانه‌ای در امر تعلیم و تربیت در راستای برون رفت از جامعه عوامانه به کار گیرند. ۳. از آنجاکه عوامانه رفتار کردن در نظام آموزشی، باعث ناکارآمدی و عقب‌ماندگی نظام تعلیم

و تربیت می‌شود؛ لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری در زمینه ضرورت آشنایی و آموزش دست‌اندرکاران آموزش و پرورش با شفاف‌سازی رویکرد عوام و عوامانه و آسیب‌های عوامانه‌نگری یا عوامانه رفتارکردن در فرایند تربیتی، انجام گیرد. ۴. روشن‌سازی و تبیین مفهوم عوام در جامعه، دید افراد، مخصوصاً معلمان، نسبت به این نگرش در نظام تعلیم و تربیت و پیشگیری از کنش عوامانه به‌روز شود و آشنایی بیشتری با این مفهوم کسب کنند. ۵. استفاده محدود از یافته‌های پژوهش‌های پیشین به دلیل نبود پژوهش مرتبط در این زمینه، دلیل مهمی است برای تشویق پژوهشگران این حوزه به انجام پژوهش‌های مرتبط با رویکرد عوامانه‌نگری در تربیت، برای آگاهی‌بخشی بیشتر.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌هایی که در انجام پژوهش حاضر وجود داشت، از یک‌سو، شامل کمبود شدید پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تحلیل رویکرد عوامانه‌نگری در بافت تربیتی و تربیت رسمی و عمومی بود. از دگرسو، و از همین‌رو، چون پژوهش حاضر به تحلیل رویکرد عوامانه‌نگری در بافت تربیتی آن از منظر معلمان مقطع ابتدایی پرداخته است، در نتیجه در تعمیم یافته‌ها به پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی محدودیت وجود دارد. با توجه به تنوع مفهومی در ارتباط با مفهوم عوام و عوامانه و گستردگی این مفاهیم، در این پژوهش تنها به نگرش عوامانه از منظر معلمان پرداخته شد و در تعمیم به دیگر ابعاد و عناصر آموزشی و تربیتی از قبیل نگرش‌های عوامانه والدین، دانش‌آموزان، کارکنان مدارس و ادارات آموزش و پرورش محدودیت وجود داشت. براین موارد می‌توان همکاری نکردن معلمان و نداشتن تصویری دقیق از موضوع پژوهش را نیز افزود.

References

- Ali Akbarzadeh, S. (2018). *Review and comparative analysis of folk beliefs in Marzban nameh and Sindbad nameh*. Tabriz University. (Text in Persian).
- Alibabaie, Gh. (2003). *A dictionary of politics*. First edition. Tehran: Ashian. 640 P. (Text in Persian).
- Amid, H. (2011). *Persian Dictionary, Volume 2*. Tehran: Ashja. (Text in Persian).
- Anvari, H. (2007). *Great culture of speech, Volume 5*. Tehran: sokhan. (Text in Persian).
- Aryanpur Kashani, M. (2000). *Extensive culture eading Aryanpur (English- persian) (volume 1 & 2)*. Tehran: Electronic publishing and information of the computer world. (Text in Persian).
- Babaei, M., & sefid bonny, F. (2018). A critical reading of traditional education from modern education with a look of anciently as a step towards the expansion of human relations. *First National Conference on Pathology of Human Relations*, Saez: Azad University. <https://civilica.com/doc/839479> (Text in Persian).
- Dehkhoda, A.A. (1955). *Dictionary, Volume 35*. Tehran: Dehkhoda Dictionary Institute. (Text in Persian).
- Document of fundamental change in education*. (2011). Secretariat of Higher Education Council, Ministry of Education and Supreme Council for Cultural Revolution, Tehran. (Text in Persian).
- Finkelstein, F., & Urbinati, N. (2018). On populism and democracy. *Populism*, 1 (1), 15-37. doi:10.1163/25888072-01011001
- Firouzkouhi, M. (2015). *Superstition and folk beliefs review in literature works of Houshang Moradi Kermani*. University of Zabol. (Text in Persian).
- Haghshenas, A.M., Samei, H., & Entekhabi, N. (2002). *Farhang Moaser English- Persian Millennium Dictionary, Volume 1 & 2*. Tehran: Compiled in the Research Unit of Farhang Moaser. (Text in Persian).
- Henderson, L. (2016). *Witchcraft and folk belief in the age of enlightenment: Scotland, 1670-1740*. Scotland: Palgrave macmillan. doi: [10.1057/9781137313249](https://doi.org/10.1057/9781137313249)
- Hou, B., Rao, S., Huang, Y., & Wu, Y. (2023). The Effect of Folk Belief on Social Trust: The Mediating Role of Social Support and the Sense of Identity. *Religions*, 14(6), 726. <https://doi.org/10.3390/rel14060726>
- Kabiri, M. (2023). Teacher Pedagogical Beliefs and Their Role in Teaching Practices and Math Performance among Students. *The Journal of New Thoughts on Education*, 19(2), 209-224. doi: 10.22051/jontoe.2022.35071.3270. (Text in Persian).
- Liu, H. (2023). Guided Management of Rural Folk Beliefs under the Background of Rural Revitalization Strategy. *Journal of Sociology and Ethnology*, 5(2), 61-67. DOI: 10.23977/jsoc.2023.050210
- Mahmoodi, F., Habibi, H., & Khanzadeh Magsoudlo, J. (2021). Factors Affecting Teaching as a Career Choice from the Perspective of Student-Teachers of Farhangian University in East Azarbaijan Province. *New Thoughts on Education*, 17 (3, 61), 31-53. DOI: 10.22051/jontoe.2021.29234.2893. (Text in Persian).
- Omraei L, Akbari A, Sepehri Rad O, Vossoughi Motlagh R A. (2023). Investigating the Effects of Folk Beliefs in

- Qajar Era Iran on Medicine, *Journal of Quran and Medicine*. 7(4): 231-240. URL: <http://quranmed.com/article-1-876-fa.html>. (Text in Persian).
- Pakdel, F. (2010). *Analysis of the reflex of Folklore in Sammak-e- Ayyar*. University of Mohaghegh Ardabili. (Text in Persian).
- Rostampour, E. (2016). Commons and properties in the eyes of mystics. *International Congress on Language and Literature, Mashhad*. Listed on the system: <http://civilica.com/doc/581479>. (Text in Persian).
- Sadeghi, H. (2016). The role and position of the teacher in the education system. *Journal of Peyvand*, No. 439, 28 30. <https://noo.rs/3zzEi>. (Text in Persian).
- Sadri Afshar, Gh., Hakami, N., & Hakami, N. (2014). *Persian Dictionary: Vocabulary and Announcement. Volume 2*. Tehran: Farhang Moaser. (Text in Persian).
- Saeedi, Sf (2014). An Investigation of Hormozgon's Folkloric Beliefs. *Journal of Hormozgon Cultural Research*, 4 (8 & 9), 119- 136. URL: <http://rdch.ir/article-1-34-fa.html>. (Text in Persian).
- Saremi Nouri, F., Saremi Nouri, M., Oji Nejad, A.R., & Zarei, R. (2015). Assessment of attention to Diversification indices learning environments in the process of public formal general Education. *Journal of New Approach in Educational Administration*, 2 (6), 109- 121. doi: [10.1001.1.20086369.1394.6.22.6.2](https://doi.org/10.1001.1.20086369.1394.6.22.6.2) (Text in Persian).
- Shahbazi, N. (2018). *The Iranian writer's attitude toward folk beliefs (In the Works of Dehkhoda, Hedayat, Golshiri and Mandanipour)*. Kharazmi University. (Text in Persian).
- Shokouhi, Gh. (2018). *Basics and Principles of education*. Thirty-seventh edition. Mashhad: Astan Qods Razavi. (Text in Persian).
- Taghizadeh Shirazi, M., Hajhosseini, M., & Ali, M. (2019). A Comparative analysis of educational approaches in the age of globalization: Educational tenets and existing models. *New Thoughts on Education*, 15 (1), 53-91. doi: [10.22051/jontoe.2019.20341.2213](https://doi.org/10.22051/jontoe.2019.20341.2213) (Text in Persian).
- Theoretical foundations of fundamental change in the formal public education system of the Islamic Republic of Iran*. (2011). Secretariat of Higher Education Council, Ministry of Education and Supreme Council for Cultural Revolution. Tehran. (Text in Persian).
- Torff, B. (2014). Folk belief theory, the rigor gap, and the achievement gap. *The educational forum*, 78, 174-189. doi: [10.1080/00131725.2013.878424](https://doi.org/10.1080/00131725.2013.878424)
- Amrani, E. , Rasouli Sharabiani, R. , Zare, H. , & Khedri, G. (2024). Examining the Weaknesses of Teaching Islamic Philosophy in the Field of Academic. *Journal of Philosophical Investigations*, 18(46), 461-482. doi: [10.22034/jpiut.2024.59810.3660](https://doi.org/10.22034/jpiut.2024.59810.3660) (Text in persian)
- Zarouni, G. (2022). Folk Beliefs and Their Functions in New Sonnets Since Mid-Forties. *Culture and Folk Literature*. 10 (47) :115-181. doi: [10.13921/CFL.10.47.115](https://doi.org/10.13921/CFL.10.47.115). (Text in persian).



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی